استراتژی های موفق معامله گری در بازار ارز

نوشته: کتی لین و بوریس شلوسبرگ
ترجمه: مهند رضا آیت الیبی

Kathy Lien
Boris Schlossberg
Currency Strategists

نشر متا فارکس
https://telegram.me/meta4x

Including the Top 10 Trading Rules
Boris Schlossberg

Boris Schlossberg serves as the Senior Currency Strategist at FXCM in New York where he shares editorial duties with Kathy Lien for dailyfx.com. Dailyfx is one of the pre-eminent FX portal websites in the world attracting more than 3 million readers per month. The site covers currency trading 24 hours per day 5 days a week with 11 daily features 5 weekly pieces and 3 monthly articles. In addition to his daily duties of covering the Asian and European sessions of the FX trading day, Mr. Schlossberg also co-edits The Money Trader with Ms. Lien – one of the few investment advisory letters focusing strictly on the 2 Trillion/day FX market.

Mr. Schlossberg is also the author of “Technical Analysis of the Currency Market: Classic Techniques for Profiting from Market Swings and Trader Sentiment” from John Wiley and Sons (2006). He is a regular guest on CNBC World’s “Foreign Exchange” as well as CNBC television network and a frequent FX commentator for Bloomberg radio. His daily research is quoted by CBS Marketwatch/Dow Jones, Reuters, Bloomberg and Wall Street Journal.

Prior to becoming currency strategist, Mr. Schlossberg traded a variety of financial instruments including equities, options and stock index futures. His articles on subjects such as risk management, trader psychology and structure of modern electronic financial markets have appeared in SFO, Active Trader, Option Trader and Currency Trader magazines. Along with Ms. Lien, he is also the primary contributor to the forex section of the Investopedia website where his library of articles address a variety of technical and fundamental approaches to trade the currency market.
Kathy Lien is Chief Strategist at one of the world’s largest retail forex market makers, FXCM in New York and author of the highly acclaimed book, “Day Trading the Currency Market: Technical and Fundamental Strategies to Profit from Market Swings (2005, Wiley).” As Chief Currency Strategist at FXCM, Kathy is responsible for providing research and analysis for DailyFX, one of the most popular currency research websites online. She publishes both technical and fundamental research reports, market commentaries and trading strategies. A seasoned FX analyst and trader, Kathy has direct interbank experience. Prior to joining FXCM, Kathy worked in JPMorgan Chase’s Cross Markets and Foreign Exchange Trading groups using both technical and fundamental analysis to trade FX spot and options. She also has experience trading a number of products outside of FX, including interest rate derivatives, bonds, equities and futures. She has taught seminars around the world on day and swing trading the currency market. Kathy is also one of the authors of Investopedia’s Forex Education section and has written for Tradingmarkets.com, the Asia Times Online, Stocks & Commodities Magazine, MarketWatch, ActiveTrader Magazine, Currency Trader, Futures Magazine and SFO. She is frequently quoted by Bloomberg, Reuters, the Wall street Journal, and the International Herald Tribune and frequently appears on CNBC, CBS and Bloomberg Radio. She has also hosted trader chats on EliteTrader, eSignal and FXStreet, sharing her expertise in both technical and fundamental analysis. Her book “Day Trading the Currency Market: Technical and Fundamental Strategies to Profit from Market Swings” is designed for both the advanced and novice trader. Her easy to read and easy to apply book is filled with actionable strategies.
مقدمه مترجم
کتاب High Probability Trading Setups for the Currency Market یا «استراتژی های موفق معاملاتی در بازار ارز» یکی از جدیدترین و معترض ترین کتاب استراتژی های معاملاتی بازار فارکس می‌باشد. این کتاب یکی از مجموعه کتب معترض تخصصی فارکس است که در سال 2006 توسط دو نفر از معروف‌ترین استراتژیست‌های بازار فارکس نگاشته شده است. این کتاب در عین بیوستگی مطالب دارای توصیه بنی‌بنی است که می‌تواند به صورت قسمت‌های مجزا نیز مورد استفاده قرار گیرد.

نام این کتاب به ما خاطر نشان می‌سازد که کلیه تحلیل‌ها، سیستم‌ها و تکنیک‌های معامله گری فقط به دنبال احتمال غالب‌شناسی موفقیت‌های ثابت نه قطعیت در موفقیت. معامله‌گری که در بقا بر معاملات زبان ده روز‌ها و حتی ماه‌ها پافشاری می‌کند تا یک یا چند معامله زبان ده کل سرمایه‌های خود را از دست بدهد، یکی از قهر چیز به نام این کتاب توجه داشته باشد. هیچ سیستم‌یا تحلیل کاملی درستی نمی‌تواند محتوای معامله در یک معامله منفرد باشد. بلکه تنها می‌تواند احتمال سود را از احتمال زیان بیشتر کند تا در بلند مدت و با معاملات متعدد سود دهی آن آشکار شود.

ترجمه حاضر برای نخستین بار در هفته نامه های متافارکس تاریخ 2007 ارائه گردیده و پس از پایان ترجمه به صورت کتاب الکترونیک رایگان به علاقه‌مندان تقدیم می‌شود.

ساعت‌های معاملاتی ذکر شده در این کتاب به وقت تیویورک یا است که 7:30 یا 8:30 EST ساعت با ساعت تهران اختلاف دارد.

استراتژی‌های مطرح شده در این کتاب، قبل از هر چیز منطقی‌ترین استراتژی و شرایط لازم را بیان می‌کند. توجه داشته باشید که کاربرد این استراتژی‌ها نیاز به داشت و مهارتی فراتر از مطلب این کتاب دارد. هر یک از این استراتژی‌ها ممکن است روی جفت ارزهای خاص کارآمدتری داشته باشند. همچنین، ممکن است حد زبان یا سایر پارامتر‌های کدام از این استراتژی‌ها بر حسب جفت ارز مورد معامله نیاز به تغییر داشته باشد. زمان ورود به معامله نیز اهمیت خاصی دارد. در بعضی ساعات روز برخی از اوها و استراتژی‌ها اعتبار کمتری به پیشتری پیدا می‌کنند.
چارچوب زمانی پیشنهاد شده نیز قابل بررسی است. ممکن است استراتژی ای که برای چارچوب زمانی چهار ساعته پیشنهاد شده حتی در چارچوب پنج دقیقه در جفت ارز خاص و زمان خاصی سودآوری پیشنهاد داشته باشد.

برخی از این استراتژی‌ها ممکن است زمانی سودآور بوده ولی امروز سود آور نباشند و یا شاید هرگز سودآور نبوده اند!

بنابراین به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود که تنها با خواندن این کتاب و در حساب واقعی به استفاده از این استراتژی‌ها پرداخته شود. بلکه ضروری است که استراتژی منطبق با روی‌های خود را یافته و در حساب مجازی روي جفت ارز های مورد نظر اقدام به آزمون روي داده های گذشته (پس تست) و داده های جاری (فوروارد تست) نمایم. تا پارامتر های مناسب برای سودآوری استراتژی مشخص شود. همچنین ممکن است برقرار کردن شروطی اضافی بتواند به سودآوری استراتژی کمک کند. مثلاً یک اندیکاتور یا شرط زمانی بتوانند تعداد سیگنال های غلط استراتژی را کاهش دهد.

بطور خلاصه باید توجه نمود که این بازار بی‌پایست و روز به روز دستخوش تغییر می‌شود. استراتژی های سود ده متعددی معرفی شده و طی دوره ای سود آور بوده اند. ولی الگوریتمی جادوئی که بدون نیاز به روز آمد کردن بتواند همواره سود بسازد، هیچگاه کشف نشده و هرگز نخواهد شد.

این ترجمه به طور رایگان در اختیار عموم علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. ارسال این کتاب بدون جرح و تعادل برای سایرین آراد می‌باشد و نقل مطالب با ذکر منبع بلا مانع است.

محمدرضا آیت اللبه
خرداد 1387
فصل اول:

ده اصل معامله گری موفق
1- هر گز اجازه ندهید یک معامله برنده به بازنه تبديل شود

سر بارکار کنید: سودت را حفظ کن. سودت را حفظ کن. سودت را حفظ کن.

هیچ چیز باید از این نیست که بینبینی معامله شما ابتدا در 30 پیپ سود رفته است ولی بعد از آن برگشت به ود حزین 40 پیپ شما را زده است. اگر شما تاکنون چنین چیزی را تجربه کرده اید بسیار خوش شانس هستید. چنین حالتی بسیار بیش از آن شما تصور کنید اتفاق می‌افتد و نمونه بارزی از مدیریت سرمایه ضعیف است. بازار فارگس دارای حرکات سریع است و سود ها می‌توانند در چند دقیقه به زبان تبديل شوند. بنابراین برای حفظ سرمایه خود باید به این موضوع توجه اکید داشته باشید.

یکی از قواعد اساسی معامله گری حفظ سود های بدست آمده است، حتی اگر 15 پیپ باشد.

ممکن است تصویر کنید که 15 پیپ مقدار اندکی است ولی در طی 10 معامله همین 15 پیپ به

150 پیپ تبديل می شود که مقدار قابل توجهی است. این دیدگاه ممکن است شما را به یاد مادر

بهزگ خصیصی بینندازد که پنی پنی پول ذخیره می‌کند. ولی اساس معامله گری هم همین است

که شما زبان های خود را به حداکثر برسانید و تا جایی که می‌شود بسیار شدید. باشد توجه

کنید که این پول شماست. حتی اگر مقداری باشد که شما به عنوان ریسک منطقی براز دست

دادن تعیین کرده اید. شما باید خود را در این بازار حفظ کنید. درست مثل سربازی که در جیوه

می چنگد و اولین و مهمترین هدفش زنده زنده ماندن است.

دو روش ساده برای اینکار وجود دارد که باعث می شود معامله شما هرگز از برندی به بازنه

تبديل نشود. اولین روش توقف کششی (trailing stop) است. دومی مشتقی از اولی است. یعنی

معاملات شما بیش از یکی باشد. توقف کششی یکی از بیشترین روش های حفظ سود است. نکته

کلیدی در توقف کششی این است که شما یک هدف قیمتی اوپریه داشته باشید.

مثلا اگر هدف قیمتی اوپریه شما 15 پیپ باشد. با رسیدن معامله شما به 15 پیپ سود، حد زیان

خود را به نقطه سری خود منتقل کنید. اگر قیمت بزرگت و شما از معامله خارج شدید. بسیار عالی

است و مثل اینکه اصلا وارد معامله نشده اید. اگر قیمت در جهت سود شما حركت کرد. با افزایش

هر 5 پیپ به سود شما. حد توقف را 5 پیپ نزدیک تر می آورید و 5 پیپ دیگر از سود خود را

حفظ می کنید و به تدریج بر سود قطعی خود می افزاید.

روش دوم حفظ سود. معاملات چند گانه است. مثلا اگر شما دو معامله مشابه داشته باشید، می

توانید برای هر کدام هدف قیمتی متغیوی تعیین کنید. هدف قیمتی اول می تواند بسیار محافظه
کارانه و نزدیک به نقطه ورود تعیین شود. مثلا 15 پیپ و هدف قیمتی دوم می تواند دورتر انتخاب شود تا در مجموع شما بتوانید نسبت ریسک به بازده مناسبی بدست آورید. وقتی قیمتی به اولین هدف قیمتی شما رسید و اولین معامله بسته شد، شما می توانند بد زیان معامله دوم را به نقطه ورود منتقل نمایند. بنابراین شما هر گز اجازه نمی دهید که یک معامله برنده به بازده تبدیل شود.

البته این 15 پیپ ذکر شده وحی منزل نیست و شما می توانند بر اساس روش های معاملاتی خود و چارچوب زمانی مورد استفاده، مقادیر دیگری انتخاب کنند. معاملات بلند مدت هدف اولیه بزرگتری مثل 50 تا 100 پیپ را طلب می کنند. در حالی که برای معاملات کوتاه مدت همان 15 پیپ مقدار مناسبی است.

2- منطق پیروز می شود و هیجان زده زدگی موجب نابودی

پول هاتی که به دلیل معاملات ناشی از هیجان زدگی از دست رفته است بیش از زیانیایی است که به دلایل دیگر وجود آنده است. از یک معامله گر مبتدی در مورد عمل خرید یک جفت ارز سوال کرد. پاسخگویی که به این درخواست دیدگه شنیدن نیست. ابزار اندیشان که از هر پاسخ دیدگه خواهد شنیدن مناسب است: "به اندیشان کافی پایین آمده است و وقت برگشت آن است". ما معمولا چشم خود را بر چنین دلالی می گذرانیم. چون چندی هر چیزی تفکر خیالپردازی نیست.

تجیر ما هر گز منفی یکی شود از اینکه بینهم چگونه افزایش سرسختی بهنوش و جسور در تجارت خود، در قمار خانه های لاس وگاس بکونه ای کاملا متفاوت عمل می کنند. برای مردان و زنانی که تاکنون هیپچه یک درال اضافه برای چیزی برد و دخته اند، از دست دادن 10000 دلار در 10 دقیقه روی میز زولت چنین عجیبی نیست. جو ناشی از هیاهو و هیجان جمعیت باعث می شود که این افراد کاملا هوشیار و مقیول به قمار بپذیرند خبره و نا مقیول تبدیل شوند. بازار فارکس با فعالیت 24 ساعته، انتشار مداوم اخبار و ضريب اهمیت یکپاره خلیلی یک نیروی آمریکا مشاییپ روی معامله کرمان مبتدی دارد.

معامله بر اساس هیجان زدگی به وضوح یک قمار است. چنین معاملاتی می تواند وقیح معامله گر را نوار برد است، موجود سود های بزرگی نیز به شور ولی تنهای یک زیان غیر منتظره می تواند کل سود های خاصه و سرمایه معامله گر را به بازار پرگرداند. این سرگذشت نظیر داستانهای
در مورد این بخش از قمار بازاری که کارشناس با حمله فلیپ به پایان رسیده است، در معامله گری منطق پیروز می‌شود و هیجان زده‌گی موجب نابودی می‌شود. در بسیاری از موارد این نهان مدت صحیح نیست که که نتیجه معامله منطقی همواره مختصرتر از معامله بر اساس هیجان زده‌گی است. در واقع عکس آن در موارد بیشتری مشاهده می‌شود. یک معامله گر هیجان زده می‌تواند روی خط برد یا متولی بیپند در حالی که معامله گر منطقی در زنجیره ای از باخت اسیر شده است. ولی نتیجه نهایی همیشه معامله گر هیجان زده یا مغلوب می‌کند. چرا که معامله گر منطقی می‌داند که چگونه زیان های خود را حمدد کنند در حالی که معامله گر هیجان زده هیچگاه پیش از یکی دو معامله تا ورشوستگی کامل فاصله ندارد.

بیانیه بیننامه یک از این دو معامله گر چگونه در بازار عمل می‌کند. معامله گر «الف» یک معامله گر هیجان زده است. او حرکات قیمت‌ها احساس‌ی مرزی می‌کند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. حال فرض کنید که قیمت EUR/USD به شدت افزایش می‌یابد. معامله گر هیجان زده‌گی می‌کند که بپیش‌بینی می‌شود از یک پیش‌بینی آزمایش می‌یابد. قیمت باز هم بالاتر می‌رود و معامله گر بیش از پیش هیجان زده می‌شود. قیمت قیمتی از گذشته در حالی خرید هیجانی قرار دارد پس معامله گر مقدار بیشتری EUR/USD قبلاً اضافه می‌کند. حرکت قیمت متوسطی می‌شود ولی بازگشت نمی‌کند. معامله‌گر جدید هیجان زده حالاً بیش از پیش مطمئن‌شده که قیمت به سقف خود رسیده و به زودی باز می‌گردد. بنابراین معامله فروش سرمایه‌ای می‌رود معامله قبلی از افزایش ناپاکان وحشت زده مشاهده می‌کند که EUR/USD قیمت بازهم بالاتر می‌رود و حساب او اجارا ماریزین کال می‌شود. چند ساعت بعد در اینجا می‌شود به سقف خود می‌رسد و سقوط می‌کند. معامله‌گر هیجان زده دو دستی بر سر خود می‌کوید، وقتی که می‌بیند قیمت بدون آنکه او توان فروش داشته باشد در حال کاهش بافتین است. او تغییر پیدا کرده در داده‌بود سقوط قیمت را عجولانه و با هیجان زده‌گی تشخیص داده‌بود به روش منطقی. در مقابل معامله گر «ب» از تحلیل تکنیکی و بنیادی برای تنظیم مخاطره و نقطه ورود به معامله استفاده می‌کند. او هم گزار می‌کند که قیمت EUR/USD بیش از حد بالا رفته و بزودی شاهد بازگشت آن خواهد بود. ولی به جای آن را وسط بازار پیراد صبر می‌کند تا سیگنال تکنیکی واضحی مبنایی در بازار مشاهده کند. مثلاً یک کننده نژول در مجاورت باند بالایی بولینگر با کاهش RSI به کمتر از 70 و سپس وارد بازار شود. در اینجا معامله گر منطقی از سقف قیمت EUR/USD
قبل برای تعیین حد زمان استفاده می‌کند تا مخاطره خود را محدود نماید. در عین حال او به
اندازه کافی هوشیاری شست که مخاطره معامله خود را به 2٪ محدود کند تا در صورت شکست در
این معامله، اصل سرمایه خود را به خطر نیزندارد. حتی اگر او هم مثل معامله گر هیجان زده اشتباه
کرده باشد، روش منطقی او سرمایه اش را حفظ خواهد کرد. بنابراین فردای باز هم می‌تواند در
بازار معامله کند. در حالی که معامله گر هیجان زده مارجین کال شده و دیگر در بازار حضور
ندارد. تکنیک مهم این است که روند های بازار فارکس ممکن است مدتها طولانی به طول بیانجامند.
بنابراین حتی اگر قیمت بیش از حد افزایش یافته باشد، باز هم امکان دارد که برای
مدتی افزایش یابد. بنابراین انتظار برای مشاهده یک سیگنال تکنیکی بینی بر بازگشت قیمتنگی قبل از
ورود به بازار. کاملاً منطقی خواهد بود. ممکن است شما نطقه سقف را از دست بدهید ولی کسب
80٪ از سود یک حرکت قیمتی نیز به اندازه کافی مطلوب خواهد بود. با وجود اینکه معامله گران
مبتذل ممکن است معامله بر اساس هیجانات را بسیار جالب تر بیانند. حرفه ای های بازار می دانند
که معامله منطقی تنیا چیزی است که می تواند موجودی حساب آنها را رفته افزاش دهد.

3- هرگز بیش از 2٪ در یک معامله ریسک نکنید

این جمله عمومی ترین قاعده معامله گریست و در عین حال بیش از همه نیز نقش شده است. به
همین دلیل است که اکثر معامله گران زبان می کنند. در کتیب معامله گری مثال های متعددی از
معامله گرانی وجود دارد که سود یک دو یا حتی پنج سال خود را در فاصله سال معامله بسیار بده از
دست داده اند. اینها میتبرین دلائلی هستند که هیچگاه نیاز به قیداد ندارند و به‌طور حاد زبان دو درصدی زیر با
کداشته شود. اهمیتی ندارد که شما چقدر درباره معامله خود مطمئن هستید. همانطور که جان
مینارد کرز می گوید "مدتی که بازار می تواند غیر معقول باقی بماند. بسیار بیش از مدتها است
که شما بتوانید در مقابل زیان ها پایداری کنید.".

اکثر معامله گران اولین معاملات خود را با این تصویر که این همان بی‌گزینی معامله زند گیشان
است. آگاهی از معامله گری، این تصویر گاهی خود آگاه و گاه ناخود آگاه است. آنها فکر می کنند که این
همان معامله ای است که می توانند آنها را میلیونر کنند و باعث شود که باقی عمر خود را بدون
دغدغه مالی سپری کنند. در بازار فارکس این تخلیه با ادبیات بازار بیشتر تقویت شده است. چه
کسی می تواند زمان شکست دادن بانک انگلستان توسط جریه سوویس را فراموش کند؟ زمانی
که سروس با فروش پوند توانست تنیا در یک روز یک میلیارد دلار بدست آورد؟ ولی واقعیت
بازار فارکس این نیست. واقعیت تلخ این است که اکثر این معامله گران پول خود را در یک یا چند زبان بزرگ از دست می‌دهند و از بازی خارج می‌شوند. جدول زیر نشان می‌دهد که جیران زیان های بزرگ تا چه حد مشکل است.

<table>
<thead>
<tr>
<th>درصد زیان</th>
<th>درصد سود لازم برای جبران</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>%25</td>
<td>%33</td>
</tr>
<tr>
<td>%50</td>
<td>%100</td>
</tr>
<tr>
<td>%75</td>
<td>%400</td>
</tr>
<tr>
<td>%90</td>
<td>%1000</td>
</tr>
</tbody>
</table>

فرض کنید که شما با 1000 دلار شروع کرده اید و 50% یا 500 دلار زیان کرده اید. برای رسیدن به نقطه سر به سر لازم این است که 500 دلار سود بپریبد. با سرمایه 500 دلاری فعلاً شما این مقدار یعنی 100% سود. یک زبان 75 درصدی به 400% سود برای جبران نیاز دارد. مقداری که تقریباً ناممکن است. بوجود آمدن چنین وضعیت هایی عینی رسیدن به آن خطر و از دست دادن تمام سرمایه‌های تتهنیس این است. با وجود چنین وضعیت‌هایی که این در صورتی شما حتی با ده زبان متوازن تنها با حدود 20% زیان مواجه خواهید بود. حتی اگر بیست معامله زبان ده بشت سر هم داشته باشید 60% سرمایه شما هنوز حفظ شده است. در حالی که بیست یا حتی ده زبان متوازن سیبیار نادر است. با وجودی که این وضعیت برای هیچکس مطلوب نیست ولی هنوز می‌توان با 67% سود به نقطه سر به سر رسید در حالی که معامله گران که 75% زیان کرده برای همین منظور باید 400% سود بپریبد.

هنر معامله گران آنقدر که زبان نگردن خلاصه شده، در سود بردن نیست. هر تجارتی هزینه هایی دارد و این زبان ها هم هزینه های شما هستند. با کنتورل زیان‌ها می‌توانید در بازار باتقی بمانید. وقتی در بازار باقی مانده، می‌توانید از فرصت‌های سود آوری بی‌پایان در بازار بپره ببرید.

به همین دلیل است که محدود کردن زیان به 2% یک از مهم‌ترین قواعد معامله در بازار است.

4- بنیادی نگاه کنید ولی تکنیکی به معامله وارد و از آن خارج شوید

بنیادی معامله خیلی این یک تکنیکی؟ این یک سوال اساسی است که ده ها سال است معامله گران می‌پرسند و احتمالاً برای ده ها سال دیگر هم خواهند پرسید. تحلیل تکنیک سعی می‌کند قبیل آینده
با استفاده از داده‌هایی که نشان داده شده بودند، در مقایسه تحلیل بنیادی سعی دارد با استفاده از اخبار سیاسی و اقتصادی ارزش آنی یک ارز را تعیین کند. این سوال که کدام بیت از استناد مشکل تر از آن است که پاسخ داده شود. بسیار دیده ایم که عوامل بنیادی تحلیل تکنیکی را تحت شما قرار داده اند. ولی با توجه به تحلیل های تکنیکی توانسته‌اند به‌خوبی حرکت قیمت در تحلیل کند.

در حالی که تحلیل بنیادی داده‌های قابل توجهی به دانسته‌های این است که هر دو از دو استفاده کنید. همه ما به خویش می‌دانیم که هر دو این نمی‌باشد و هر دو در تغییر قیمت موثرند و در حرکات قیمت دستی‌دارند. تکته کلیدی این است که مزايا هر کدام را بدانیم و از هر یک به‌صورت استفاده نمایید. تحلیل بنیادی یک دید کلی از بزارت ارائه می‌کند در حالی که تکنیک‌البرای شناسایی نقاط خاص ورود و خروج مناسب است. تحلیل های بنیادی در یک گناه تغییر نمی‌کند و معمولاً هفته‌ها، ماه‌ها و حتی سال‌ها معتبر باقی می‌ماند.

بنابراین مثال‌یکی از میهمان‌البروفات بنیادی سال 2005 روند افزایشی نرخ بهره دلار بود. در اواست سال 2004 فردار رنگر نرخ بهره دلار 2.25% افزایش داد و افزایش نرخ بهره را آغاز نمود. آن‌ها به زودی به بزار اجازه دادند که بدانند روند افزایش نرخ بهره در پیش خواهد بود و طی سال 2005 نرخ بهره را 2% افزایش دادند. این خط مشی موجب شد که یک خوشبینی شدید نسبت به دلار بوجود آید که علی‌رغم تمام سال 2005 ادامه یافت. در مقابل دلار بنای روند بود که بانک مرکزی آن نرخ بهره را در حدود صفر نگاه داشت. در نتیجه دلار در مقابل یونان و در حدود 19% طی این سال روند صعودی قوی ای را تجربه کرد. ویا USD/JPY طی این سال روند صعودی قوی ای را تجربه کرد. ولی با این وجود حركات بازگشت متعددی نیز شکل گرفت. این حرکات بازگشت، فرصت‌بیماری‌های بسیار مناسب برای معامله گران فراهم نمود تا تحلیل بنیادی را با تحلیل تکنیکی برابر شکار فرصت‌های مناسب سودآور و ارزانی می‌کرد. ما در داستانه که مهیاج برای دلار بسیار مثبت است بنابراین در تحلیل های تکنیکی به دنبال فرصت‌های خرید در کف بودن در فرصت‌های خروج در روند صعودی. یک نمونه بسیار قابل توجه روند صعودی از 101.70 تا 113.70 است. سپس یک حرکت بازگشتی شکل گرفت و درست در تراز فیبوناچی 38.2% و افزایشی شد. این نقطه یک نقطه ورود به سیستم مناسب برای خرید بود و نمونه‌ای از مناسب از معامله بر اساس تحلیل بنیادی همراه با تعیین نقطه ورود یا خروج بر اساس تحلیل تکنیکی در معاملات.

طبق این دوره، بسیار مشکل بود که بتوان نقطه کف و یا سقف سقوط قیمت را تشخیص داد ولی در چنین روند صعودی قوی ای، بسیار ساده
تر و در عین حال معقولانه تنظیم نقاط مناسب و رود از نظر تحلیل تکنیکی برای همراه شدن با روند بیلند مدت بینیادی بود. بجای آنکه به‌خواهیم بر اساس تحلیل تکنیکی با روند بینیادی مخالفت کنیم.

5- همیشه یک ارز ضعیف و یک ارز قوی را گفت کنید.

هر هوادار ورزش به‌بیشتر یک تیم محبوب دارد که آن را به خوبی می‌شناسد. این هوادار به خوبی می‌داند که تیمی چه تیمی را به‌اختیار می‌برد. به چه تیمی امتیاز‌ها احتمالاً می‌بازد و با چه تیمی داریم که سطح قرار دارد. این هوادار به خوبی می‌داند که بیشترین شناس برد در شرط بندي روی تیمی در مقابل ضعیف ترین رقیب پدید می‌آید. با وجود اینکه این صحبت مربوط به بس بال بود ولی در مورد هر رقابتی صادق است. وقتی که یک ارز قوی در مقابل یک ارز ضعیف صف آزادی می‌کند، احتمال برد ارز قوی بسیار بیشتر است.

این دیدگاه ما نسبت به معامله گزی است.

وقتی که در بازار ارز معامله می‌کنیم، همواره با یک ارز هر ردیف و کار داریم. هر معامله به معنی خرید یک ارز و فروش ارز مقابل آن است. بنابراین ما ممکن است از نظر دیگری را مغلوب کنیم. اگر قبول کنیم که ساختار بازار فارکس این است، یک معامله وقیوی با احتمال بالایی از موفقیت همراه است که شامل یک ارز قوی در مقابل یک ارز ضعیف باشد. خوشبختانه در بازار فارکس با یک کشورهای سر و کار داریم که شرایط اقتصادی شان به‌یکاره تغییر نمی‌کند. احیان اقتصادی مربوط به هر ارز هر روز اعلام می‌شوند که به معنی کارت‌های امتناع آن ارز هستند. بهترین اخبار قدرت اقتصاد یک کشور و ضعیف ترین اخبار ضعف اقتصاد یک کشور را نشان می‌دهند.

جفت کردن یک ارز قوی با یک ارز ضعیف مفهومی عمیق نیست. اگر نگاه کردن سر به اخبار اقتصادی است. هر خبر اقتصادی قوی دلدل جدیدی به بانک مرکزی کشورها برای افزایش نرخ بهره می‌دهد که به‌نوبه خود موجب نرخ‌بندی شدن ارز مربوطه می‌شود. در واقع هر چه اخبار اقتصادی ضعیف تر باشد، دست بانک مرکزی برای افزایش نرخ بهره بسته تر است و اگر این اخبار خیلی ضعیف باشد، بانک مرکزی مجبور خواهد بود که نرخ بهره را کاهش دهد. زوند آنی نرخ بهره یک ارز قوی ترین معترض های بازار ارز است. چون نرخ بهره قدرت و جذابیت یک ارز را تعیین می‌کند.
علاوه بر توجه به اطلاعات اقتصادی، راه‌سادات تر جفت کردن یک ارز قوی با یک ارز ضعیف، توجه به
روند نرخ پره آن دو است. بنوان مثال جفت ارز EUR/GBP که معامله در یک دامنه مشخص
حرکت می‌کند. در اولین فصل سال 2006 دامنه خود را شکست. این شکست به سمت بالا اتفاق
افتاد چون اروپا نرخ پره پاریزورا در پی رشد اقتصادی خود آغاز نمود در حالی که
بریتانیا نرخ پره خود را طی سال 2004 و اوائل 2005 افزایش داده بود و این افزایش به پایان
خود نزدیک شده بود. در واقع مقامات بریتانیا نرخ پره پوند را طی آگوست 2005 کاهش دادند
و احتمال ادامه این کاهش نیز به دلیل اطلاعات اقتصادی وجود داشت. این روند نرخ پره این
دو ارز باعث شد که دامنه متعارف خود را بشکند و برای چند ماه در روند صعودی
قرار گیرد. این تغییر نرخ پره باعث شد که یک معامله شفاف روز EUR/GBP در اساس جفت
کردن یک ارز قوی با یک ارز ضعیف شکل بگیرد.
از آنجا که قوت یا ضعف اقتصاد کشورها بر اساس روند های اقتصادی مدتها به طول می‌انجامد،
جفت کردن یک ارز قوی با یک ارز ضعیف یکی از منابع روش‌های سود آوری در این بازار می‌باشد.

6- تحلیل صحيح ولي زود هنگام يعني تحليل غلط

یک معامله گر باید در نظر داشته باشد که ظهور هرگز نمی‌گویند. اگر معامله گر اقدام
به فروش یک جفت ارز کرده باشد و آن جفت ارز به بزائ او شروع به صعود کند، معامله گر
اشتباه کرده و بايد هرچه زودتر آن را پذیرفته و هر چه زودتر بیاید.
در بازار فارکس روند‌ها می‌توانند خیلی بیشتر از آنکه مورده به نظر باید، به طول بیجامند.
بنوان مثال در سال 2004 یک حرکت صعودی قوی داشته و از 1.2000 به 1.3600
رسید. این صعود فقط در مدت دو ماه انجام شد. تحلیل گران بین‌نیا از نمی‌توانستند علت این
حرکت را درک کنند چرا که برآیند شخصی، برای توقف در جهت تقویت دلار بود.
با وجود اینکه کسری تراز تجاری به یک رکورد دست داشته ولی اقتصاد آمریکا برای جذب سرمایه
های آسیا و جیران این کسری به اندکی کافی جذاب بود. به علاوه رشد اقتصادی آمریکا بسیار
چشمه‌تر از منطقه اروپا ود. رشد سالانه GDP آمریکا به بیش از 3.5% رسیده بود در حالی که
این شخص در اروپا حدود 1% بود. فدرال رزرو شروع به افزایش نرخ پره کرده بود که تفاوت
از نرخ بیروه یورو و دلار را حیوان می‌کرد. از طرفی یورو قوی صادرات اروپا را تحت فشار قرار می‌داد. صادراتی که هم‌خورده یک نقطه قوت برای اروپا بوده است.

در نتیجه نرخ بیکاری آمریکا را به کاهش نبود و از ۵.۷٪ به ۵.۲٪ رسید. در حالی که در همین زمان آلمن به‌شتون رخ بیکاری را از زمان جنگ جهانی دوم تجربه می‌کرد. نرخی که دیگر دو رقیقیده بود. به‌طور خلاصه دلایل متعددی برای تقویت دلار در مقابل یورو و فروش وجود داشت ولی نرخ این گرفت از همه‌نامی به رسید خود ادامه می‌داد. نیز این بروند برگشت و این گرفت ارز نه تنها تمام افراشی را که طی سال ۲۰۰۴ بست آورد بود از دست داد بلکه تا ۱.۷۳۰۰ در اواخر ۲۰۰۵ کاهش یافت. حال تصور کنید که یک معامله گر را در قیمت ۲.۰۰۰۰ فروخته باشید. آیا می‌تواند فشار زیان ۶۰۰ پیپسی را تحمل کند؟

۱.۷۳۰۰ دلار گران می‌شود و دلار یورو را در قیمت ۱.۳۰۰۰ آینه گذارد. آیا این معامله گر را باید زیان ۶۰۰ پیپسی را تحمل کند؟

واقعیت طنز‌آمیز این است که هر دوی این معامله گران می‌توانستند در نتیجه به سود برسند. هر دو آنها درست تحلیل کردند ولی پیش‌بینی زودتر از موقع مناسب. بازار فارکس بزاری با اهم‌بیازه است. اهم مداوم ۱۰۰:۱ است. حتی اگر دو معامله گر فوق از اهم‌بیازه کارانه ۱۰:۱ استفاده می‌کردند. دچار کاهش سرمایه ۴۶٪ و ۸۸٪ قبل از رسیدن به سود می‌شدند. در بازار فارکس درست بودن تحلیل به نتیجه‌کانی کافی نیست بلکه به موقع بودن آن باید کاملاً ضروری است. به همین دلیل است که برای معامله گری موفق باید به چشم خود اعتماد کنید. بنابراین هر گاه قیمت در جهت زیان شما حرکت کرد، حتی اگر دلایل معامله شما هنوز پا بر جا باشند، به بازار احترام بگذارید و حد توقف مناسبی انتخاب کنید، در بازار فارکس تحلیل درست ولی زوده‌گاه برابر با تحلیل غلط است.

۷- تفاوت استراتژی ورود تدریجی با افزودن نادرست به معامله در حال زیان

را درک کنید و هرگز دچار اشتباه افزودن نادرست به معامله در حال زیان نشوید.

یکی از بزرگترین اشتباهات معامله گران افزودن به یک معامله در حال زیان به امید برگشت قیمت است. با افزودن به معامله در حال زیان در حالی که قیمت در خلاف جهت حرکت می‌کند، زیان معامله گر چنان افزایش می‌یابد که معامله گر ناجار می‌شود معاملات خود را با زیان بسیار
بهشتی بندد و یا بادتر از آن آنقدر صبر کن، که بالاچتر معاملات توسعه کارگزار به طور
اتوماتیک بسته و معامله گر مارکین کال شود. معقولیت این حالات تحلیل اولیه ای که منجر به
ورود به معامله شده است. فرمالو مو می شود. در این شرایط بسیاری از معامله گر درنیا در
شرایطی درگیر افزودن به معامله در حال زیان می کنند که تحلیل و جلوگیری ورود به معامله
مدت‌هاست که تغییر یافته و فقط آنزنشی معجزه یا شانسی که معامله گر را از این وضعیت برهاند،
باقی مانده است.

ما این شرایط را به جایی تشییع می کنیم که شما در نیمه شب در حال راندن اتوموبیل هستید. در
حالت که نمی داشتید راه‌هایی از کدام طرف است و آیا در مسیر صحیح قرار دارید یا خیر. در چنین
حالتی دو انتخاب وجود دارد. اول انتخاب کور کردن به مسیر خود ادامه دهید و امیدوار باشید که
قبل از اینکه از جای‌گیری در آوردید. مسیر خود را پیشین کنید. راه‌گیر این است که دور بزنید
و مسیر اشتباهی را که آمده اید برگردید تا به نقطه ای بررسید که بتوانید راه خود را پیدا نمایید.
این تفاوت بین ادامه لجوجانه یک مسیر غلط یا قطع کردن زیان قبل از اینکه دیر شود، می باشد.
البته ممکن است شما به طور اتفاقی مسیر صحیح را پیشی بینید و به خانه خود بازگردید. همانطور که
پک معامله گر ممکن است بطور اتفاقی تغییر دیگری را طیف‌دار و به خانه خود بازگردید. و لی قبل از
آن احتمال زیادی وجود دارد که سوخت اتوموبیل تمام شود. همانطور که ممکن است معامله گر
قبل از امکان جبران زیان خود تمام سرمایه اش را از دست دهد. اضافه کردن به یک معامله
در حال زیان در شرایطی که از حدود ریسک قابل قبول شما فراتر رفته باشد، یک روش
غلط در معامله گری است.

البته شرایطی وجود دارد که افزودن به یک معامله در حال زیان روش صحیح در معامله گری
است. این استراتژی تحت عنوان ورود تدریجی شناخته می شود. تفاوت ورود تدریجی با افزودن
غلط به معامله در حال زیان این است که معامله گر قبل از ورود به اولین تکرار طرح ورود
در تدریجی خود را ریخته است. ورود تدریجی این است که نشانده که گرگ سهم قصد دارد با حداکثر یک لات
100000 دلاری وارد بازار شود. این حجم را به ده معامله 10000 دلاری بهشتی تا میانگین قیمت
مناسب‌تری پیدا آورد. به این آنکه کل معامله یک لانه را در یک نوبت انجام دهد. این
استراتژی ورود تدریجی نامیده می شود. این یک استراتژی متداول برای معامله گرانی است که
در یک حرکت بانگشته قصد ورود به بازار برای بهره گیری از روند اصلی را دارند. ولی نمی
دانند قیمت قبل از ادامه روند خود را جا باز گذشته خواهد کرد. بنابراین برای بدست آوردن

مباحثین قیمت مناسب اقدام به شکستن حجم کلی معامله خود برای ورود تدریجی می‌نمایند. نکته کلیدی این استراتژی این است که افزایش تدریجی به حجم معاملات در حال زیان، از قبل طرح ریزی شده و حد زیان مشخصی نیز برای مجموعه معاملات تعیین شده است. بنابراین، قصد از پیش تعیین شده تفاوت اصلی افزودن نادرست به معامله در حال زیان با استراتژی ورود تدریجی می‌باشد.

8- آنچه از نظر ریاضی پیشنهاد است از نظر روانشناسی غیر ممکن است.

معامله‌گران مبتند معمولاً استراتژی هایی بر سیار سود آور و سیار جالب توجه طرافی می‌کنند. با این حال استراتژی‌ها را روی داده‌های کدِشته به نظر می‌آید که می‌توانند میلیون‌ها دلار سود بسازند. این استراتژی‌ها معمولاً نسبت سود به زیان سیار خوی دارند مثلاً 3 به 1. این مبتنیان به پشتونه این استراتژی‌ها حساب خود را شارز می‌کنند و به زویدی همه پول خود را از دست می‌دهند. چرا اینگونه می‌شود؟ برای این که معامله گری یک امر منطقی نیست بلکه پیشه می‌شود.

روانشناسی است و همچون احساسات بر خرد چه‌ی شود.

آقای درمن رئيس استراتژی‌های مقداری شرکت معظم گلدن ساکز می‌گوید، در فیزیک شما با قوانین الی‌ی سر و کار ایستاده. خداوندی که نظرش را به طور مداوم تغییر نمی‌دهد. ولی در بازار های مالی شما با مخلوقات خداوند سر و کار ایستاده. مخلوقاتی که احساسات بی‌دوم و ناپایداری دارند و اخباری که دائماً در بازار جاری می‌شوند. این موضوع یک کاستی یکی‌بی‌یکی برای اکثر معامله‌گران مبتندی است. آن‌ها فکر می‌کنند که می‌توانند بازار را مهندسی کنند و ماه‌سینی بسازند که ابوبه‌ی سود از بازار به‌دست آورند. ولی معامله گری بیش از آنکه یک علم باشد یک هنر است. هر چه زودتر معامله گران دریابند که باید بر خصوصیات انسانی خود و بازار تنها کنند، زودتر به ریشه کاری‌های معامله گری واقف خواهند شد.

مثالی از اینکه «آنچه از نظر ریاضی پیشنهاد است از نظر روانشناسی غیر ممکن است» را در ادامه بیان می‌کنیم. یکی از نصایحی که زیاد دی بیان شده‌می‌شود این است که یک معامله گر همواره باید با نسبت سود به زیان 2:1 معامله کند. این ظاهرها؛ ایده خوبی است. بر این اساس اگر معامله گر تنها در 50% معاملات خود برند به سود، به سود زیادی دست خواهد یافت. با این نسبت سود به زیان، حتی اگر معامله گر از هر 10 معامله خود در 6.5 معامله زیان کند، هنوز در سود است. ولی در عمل اجرای چنین ایده‌ای برای مشکل است.
فرض کنید که شما اقدام به فروش GBP/USD هستید. فرض کنید که شما اقدام به فروش GBP/USD در 1.7500 با حد سود 1.7300 و حد زیان 1.7600 می‌کنید. ابتدا همه چیز خوب پیش می‌رسد و قیمت تا 1.7420 کاهش می‌یابد. سپس تا 1.7460 صعود می‌کند و مجدداً به سمت هدف قیمتی شما یعنی 1.7300 حرفه می‌کند. در نقطه 1.7320 می‌گردد و به کف خود میرسد و شرکای به کمک می‌کند. قیمت تا 1.7340 و سپس 1.7360 و حتی 1.7370 افزایش می‌یابد و لی شما همچنان خون‌سرد به بازار تاگه می‌کنید. پسون به دنبال تحقیق نسبت سود به زیان یپ در پن صعود می‌کند. نه تنها به نقطه ورود شما می‌رسد بلکه از آن هم به راحتی عبور می‌کند و نهایتاً حد زیان شما را در نقطه 1.7600 می‌زند. در اینجا شما با این حقیقت مواجه می‌شوید که 180 پیپ سود را با 100 پیپ زیان عوض کرده اید. در واقع حساب شما 280 پیپ راز دست داده است. دنبای واقعی معامله گری این است یعنی آنچه در کتاب‌های ایدآل گرا به خوردن شما داده شده است. به همین دلیل است که معامله گران حرکه ای معمولاً اقدام به خروج تدریجی از معامله خود می‌نمایند. کسب سود به طور تدریجی باعث می‌شود که نسبت سود به زیان این معامله گران از 2:1 به 1.5:1 و حتی کمتر کاهش یابد. واضح است که از نظر ریاضی این استراتژی ضعیف تر است ولی به خاطر داشته باشید که «آنچه از نظر ریاضی بپیوند است از نظر روایانشانی غیر ممکن است».

9- ریسک باید از قبل مد نظر قرار گیرد ولی سود قابل پیش بینی نیست

اکن فقط یک مفهوم اساسی در معامله گری وجود داشته باشد. این است: حد زیان را نگنید.

قبل از ورود به هر معامله شما باید چه در حال زیان خود را در نظر بگیرید. این بهترین راه برای تحت کنترل قرار دادن زیان ها و اطمینان از این است که در هنگام معاملات بیش از حد احساساتی نخواهد شد. معامله گری دشوار است. معامله گران ناموفق از معامله گران موفق بسیار بیشترند. در اکثر مواقع معامله گران به دلیل نادرست بودن تحلیل‌شان متسررب نمی‌شوند. بلکه به این دلیل ناموفق نیستند که در هنگام معامله، بیش از حد دستخوش احساسات می‌گردند. این شکست به این دلیل پدید می‌آید که آنان معاملات خود را زودتر از وقت مناسب می‌بندند و یا اجازه داده اند که معاملات در حال زیانشان به زیان هایی بزرگ در غلظت. ریسک باید از قبل تعیین شود. منطقه ترین زمان تعیین ریسک قبل از ورود به معامله است. در زمانی که هنوز فکر شما در گیر نشده و تصمیمات شما تحت تأثیر تعصب ناشی از داشتن معامله ای در جهت خاص قرار نگرفته
است. در مقابل وقتی شما یک معامله باز داشته باشید تمایل دارید که آنقدر انتظار بکشید تا قیمت در جهت دلخواه شما حرکت کند و شما را به سود برساند. ولی متسامانه خواسته شما شاید هیچگاه اتفاق نیافتد. شما باید بدرین سناریوی ممکن را در نظر گیرید و حد زبان خود را در محل مثبت بر نراز های تکمیلی یا پول قرار دهید.

باز دیگر تاکید می‌کنید که ریسک‌پایه قبل از ورود شما به معامله تعیین شده باشد و شما پایه به آن پایین بشی. به احساسات خود اجازه ندهید که شما را وادار به تغییر بیموجود حد زبان کنند.

هر معامله صرف نظر از اینکه شما تا چه حد به سود آوری آن مطمئن باشید فقط مبتنی بر یک حدس است. هلی چیز در معامله گری قطعی نیست. عوامل برونتی زیادی وجود دارد که می‌توانند حرکت قیمت یک ارز را تغییر دهند. گاهی مواقع شاخص های بنیادی می‌توانند در بازار تحرک ایجاد کنند. در حالت که کم در مواقع دیگر عوامل غیر قابل پیش بینی ای وارد عمل می‌شوند.

عواملی نظیر: موانعی که به دلیل معاملات اکتشاب معامله پیدا می‌آید، تاثیر نزدیک‌تره روزانه معاملات عمده بانک‌های مرکزی و غیره. بنابراین باید مطمئن باشید که با قرارداد خود حد زبان مناسب خود را در مقابل این احتمالات مصون ساخته‌اید.

در مقابل سود ناشخص است. وقتی یک ارز حرکت می‌کند، این حرکت ممکن است کوچک باز یا بزرگ باشد. مدیریت سرمایه در اینجا اهمیت ویژه‌ای می‌پذیرد. بر اساس قاعده ای که در کلشه‌های بین‌کردنی هر گروه اجازه ندهید که سود یک معامله تبدیل به زیان شود» ما از معاملات پیشگامانی که حمایت می‌کنیم. این روش می‌تواند در چند حساب بیش از اجارا شود. در این روش شما می‌توانید معامله اول را با سود بپنداشته و در معامله بعدی حد زبان را به نقطه ورود منتقل کنید و به سود اجازه مسیرش بدهید. بدون اینکه در معرض هیچگونه مخاطره‌ای قرار داشته باشید.

بازار فارکس یک بازار دارای روند است. این روند ها ممکن است چند روز هفته یا حتی ماه طول بکشند. این وضعیت یک دلیل اساسی است که که باعث می‌شود که معامله گران موفقی به روند توجه ویژه‌ای داشته باشند. آنان معتقدند که سود یک روند می‌تواند بر زیان ناشی از نوسانات در یک بازار دامنه ای بدون روند غالب شود. با اینکه ما معتقدیم که معاملات دامنه ای هم می‌توانند نتایج مناسب و سود آوری داشته باشند. ولی سرمایه‌های عمده همیشه به دنبال روند ها هستند. بنابراین اگر در بازار دامنه ای قرار داشته باشیم، اولین معامله را با سود می‌پنداشته و حد زبان معاملات دوم را به نقطه ورود منتقل می‌کنیم. در این حالت اگر روند در جهت معامله ما
شکل بیگرد، ما معامله دوم خود را نگاه داشته ایم و احتمال اینکه این معامله به سود بزرگی دستی‌پا خواهد بود.

نیمی از معامله گری استراتژی مناسب است و نیم دیگر هم‌مانی مدیریت سرمایه صحتی می‌باشد. حتی اگر معامله‌ای در حال زیان دارد، باید آنها درک کنید و از اشتباه‌های اصلی استراتژی شما به زیان های ناشی از آن غلبه دارید. زیان‌ها را پذیرفته و ادامه دهید. نکته کلیدی این است که مجموعه معاملات شما سود آور باشد. حتی اگر بعضی از معاملات منفردها، زیان ده باشند، اگر بر این مفهوم مسلط شوید، درخواهید یافته که احساسات کمکی به شما نمی‌کند. چه یک حساب 1000 دلاری داشته باشید چه یک حساب 100000 دلاری. باید داشته باشید که در معامله گری سود کاهش بدیل خوس شانسی بدیل در آبید ویل جلوگیری از زیان همواره ناشی از بکار گیری قواعد و مهارت شماست.

10- هرگز بهانه تراشی نکنید

یک بار، رئیس منا ما را به اتاق خود دعوت کرد تا درباره یک برنامه جدید معاملاتی و تنظیمات آن گفتگو کنیم. او مستقیم به چشمان ما گفت که «من فقط یک قاعده دارم»، سپس گفت «بن بیانه» و ما به سرعت دریافتیم که منظور او چیست. رئیس ما درباره زیان‌ها از قبل تعیف شده معاملات تکرار نبود. زیان‌ها جزو جدا نشدنی از معامله گری هستند و هر کس که دستی در این بازار باشد این را می‌داند. آنچه رئیس ما می‌خواست از آن اجتناب کند، اشتباهات معامله‌گران در اثر منحرفیت یک طرح معاملاتی بود. یک زیان ده درصدی اگر از پنج زیان دو درصدی پایین در معاملات و خوردن حد زیان از پیش تعیف شده آنها پدید آمده باشد، کامل پذیرفتنی است. آنچه نابخشودنی است، یک زیان ده درصدی در یک معامله است چه نشان می‌دهد معامله گر از قواعد حد زیان عدالت کرده است و یا بدتر از آن به معامله در حال زیان خود فراتر از حدود تعیف شده ریسک افزوده است. رئیس ما می‌دانست که فرض اول جزئی عادی از این کسب و کار است ولی فرض دوم نپذیرفته‌ای از بین رفتن سرمایه‌منجر خواهد شد.

پزشکی به دست کاری را دارد و آنها آنجام می‌دهد. «صندوق مدیریت بلند مدت سرمایه» یا ZM دو یکی از مطرح ترین صندوق‌های بورسیات می‌باشد. ZM شرکت‌داری آن را عده‌ای از برندها گواهی نویل تشکیل می‌دادند. در سال 1998 ورشکست شد. این حادثه در
زمانی رخ داد که در بازارهای مالی جهانی تغییرات قابل توجه و پیچیده ای در نرخ های پره در حال رخدادن بود و باعث میلیارد ها دلار زیان طی چند روز برای این صندوق شد. معامله گران این صندوق حاضر بودند اشتیا خود را به برخورد و معاملات اشتیا خود را به طور مداوم افزودند و یکی داشتند که بازار بزودی به جهت مورد نظر آنها برخواهد گشت. نهایتاً قدرال)، رزرو نیویورک و تعدادی از بانک های سرمایه گذاری عمده مجبور به مداخله برای محدود کردن زیان ها شدند و با زحمات زیادی توانتستند سبد غیر عادی این صندوق را برای جلوگیری از ادامه خسارات جمع و حور کنند. در مصاحبه پس از سقوط این صندوق، اکثر معامله گران حاضر بودند اشتیا خود را به برخورد و معتقد بودند ورشکستگی در شرایطی بسیار بی سابقه منتظره LTCM حادث شده است که این شرایط هرگز تکرار نخواهد شد. معامله گران LTCM هرگز قاعده «بنیان» را نیاموشند و سرمایه خود را بر سر این عقیده از دست دادند.

پیشترین کاربرد «بنیان» در موقعیتی است که معامله گر حرکات بازار را درک نمی کند. فرض کنید که شما یک ارز را به خاطر انتظار ایجاد یک اقتصادی فروخته اید و ایجاد مورد نظر شما هم واقعاً باد اعلام شده اند. ولی ارز مورد نظر شما بدون توجه به ایجاد، حرکتی صعودی را آغاز نموده است. در این وضعیت شما باید به سرعت از بازار خارج شوید. اگر شما نمی توانید درک کنید که در بازار چه می گذرد، پیشترین کار این است که خارج از گرد باستی و معامله نکنید. در اینصورت شما بعداً مجبور نخواهید بود برای از بین رفتن پولتان پیشانه تراشی کنید. پیشانه تراشی نکنید. هرگز. این قاعده ایست که معامله گران حرفه ای با آن زندگی می کنند.
فصل دوم:

استراتژی های معاملاتی
1- استراتژی در چارچوب پنج دقیقه‌ای Momo

بعضی از معامله گران بسیار بر حوصله هستند و مدت زیادی صبر می‌کنند تا یک موقعیت معامله‌ای را که در پی مانند بیانی‌دش به مقابل معامله‌گران دیگر وجود دارد، ادامه دهنده، به معامله و برای انجام معامله در پاژیساژ ییدا کنند. این معامله‌گران کم حوصله می‌توانند به معامله‌گران قدرتمندی بر اساس مومنتوم تبدیل شوند. به این معامله‌گران صبر می‌کنند تا بازار قدرت کافی برای حرکت یک جفت افزایش در هر چهار دواست آورد. در اینجا این معامله‌گران سواد بر مومنتوم شده ولی آمیزه‌کننده که این مومنتوم بتواند قیمت را در همان جهت خویش حرکت دهد. در عین حال هر یک قدرت قیمت کاهش یابد. معامله گر کم حوصله می‌تواند کسی است که از بازار بیرون می‌پرده. چون یک استراتژی صحیح بر اساس مومنتوم نیازمند قواعد محکمی برای خروج به موقع از بازار است. این بتواند از سود خود محظوظ کند و در عین حال بتواند تا آنجا که ممکن است بر حکم قیمت سواد شده و حداقل سود را بدست آورد.

ما استراتژی در خشانی بر پایه مومنتوم توسعه داده و آنرا «استراتژی در چارچوب پنج دقیقه‌ای Momo» معرفی می‌کنیم. نام‌های این بر این روش به دنبال یک مومنتوم انفجاری در چارچوب زمانی بسیار کوتاه پنج دقیقه‌ای هستند. اما از دو اندازه‌گیری استفاده می‌کنیم، اولین اندازه‌گیری میانگین متحرک انجام داده می‌شود. با این دلیل از میانگین متحرک نمایی به جای ساده EMA20 استفاده کرده ایم که میانگین متحرک نمایی وزن بیشتری به قیمت های اخیر می‌دهد و این همان چنین است که برای تشخیص حرکت های سریع به آن نیاز داریم. این میانگین متحرک به ما کمک می‌کند که روند را تشخیص دهیم. اندازه‌گیری بعدی میانگین متحرک همکارا-و درک‌آگرا یا MACD است. تنظیمات این اندازه‌گیری هم همان تنظیمات پیش گردد یا 26,9 است.

این استراتژی یک استراتژی مبتنی بر برگشت قیمت است. ولی فقط در مواقعی که مومنتوم آن‌قدر قوی باشد که بتواند یک حرکت انفجاری قوی را سپری شود. همچنین هر معامله را به دو بخش محافظه‌کارانه و تیم‌های تقسیم می‌کنیم. در پیش اول ما به دنبال تضمین سود هستیم و سعی داریم که تجدید معامله برندی مان به معامله زبان‌زدایی تبدیل شود. ولی در پیش دوم به سود اجازه گرفتن اما دهیم و سعی می‌کنیم آن‌جا از حداکثر حرکت قیمت بهره برداری کنیم. در شرایطی که حد زیان را به نقطه ورود منتقل کرده ایم و در معرض هیچ‌گونه مخاطره‌ای نخواهم بود.
قواعد معامله خرید

1) به دنیال شرایطی هستیم که جفت ارز مورد نظر ما کمتر از EMA20 معامله شود و در عین حال MACD منفی باشد.
2) صبر می‌کنیم تا قیمت EMA20 را به سمت بالا قطع کند و در عین حال MACD را به سمت بالا سقوط کند.
3) مثبت شدن باشد و یا طی حداقل گذشتن مثبت شود.
4) وارد معامله خرید می‌شونیم.
5) 10 پیپ بالاتر از EMA20 در معامله تبادلی حد زیان را در حوالی یک قدم قیمتی در نمودار پنج دقیقه‌ای قرار می‌دهیم و در معامله محافظه‌کارانه حد زیان را روی 20 پیپ کمتر از EMA20 (30 پیپی کمتر از نقطه ورود) تنظیم می‌نماییم.
6) معامله محافظه‌کارانه در سودی معادل حد زیان می‌بندیم و حد زیان معامله تبادلی را به نقطه ورود منتقل می‌کنیم.

قواعد معامله فروش

1) به دنیال شرایطی هستیم که جفت ارز مورد نظر ما بیشتر از EMA20 معامله شود و در عین حال MACD منفی باشد.
2) صبر می‌کنیم تا قیمت EMA20 را به سمت پایین قطع کند و در عین حال MACD R6 مثبت شود.
3) 10 پیپ پایین‌تر از EMA20 وارد معامله فروش می‌شونیم.
4) در معامله تبادلی حد زیان را در حوالی یک قدم قیمتی در نمودار پنج دقیقه‌ای قرار می‌دهیم و در معامله محافظه‌کارانه حد زیان را روی 20 پیپ بیشتر از EMA20 (30 پیپی بیشتر از نقطه ورود) تنظیم می‌نماییم.
5) معامله محافظه‌کارانه در سودی معادل حد زیان می‌بندیم و حد زیان معامله تبادلی را به نقطه ورود منتقل می‌کنیم.
6) با کاهش قیمت‌ها حد توقف کششی را به 15 پیپ بیشتر از EMA20 منتقل می‌کنیم.
به مثال های بعدی توجه فرمایید:

Setup 1 - Five-Minute “Momo” Trade, EUR/USD

اولین مثال مربوط به جفت ارز EUR/USD در تاریخ 17/03/2006 است. در این زمان مشاهده شد که MACD در حال مثبت شدن است و قیمت نز نز المنحنی EMA20 را به سمت بالا قطع کرده است. با وجود اینکه بین ساعت‌های 00:30 و 02:00 قیمت بیش از EMA20 بوده است ولی هنوز سیگنال خرید صادر نشده است. چرا که هنوز کمتر از صفر بوده است.

ما صریح کردیم تا خط صفر را قطع کند و مثبت شود. در قیمت 4.2044 سیگنال خرید صادر گردید و ما در قیمت 1.2046+10=1.2056 وارد معامله خرید شدیم. حد زیان عبارت بود از 20-1.2046=1.2026. هدف اول ما عبارت بود از 1.2056+10=1.2086. این هدف حدود دو ساعت و نیم بعد محقق شد. می‌نیمی از معامله را در این قیمت بستیم و برای نیم پیپ در حذف کشیدی را به 15 پیپ کمتر از EMA20 منتقل کردیم. نیمه دوم این معامله در ساعت 21:35 در
قیمت 1.2157 با برخورد قیمت به حد توقف کششی بسته شد و سود مباعتدی 65.5 پیپ در این دو معامله حاصل گردید.

Setup 1 - Five-Minute “Momo” Trade, USD/JPY

دومن مثال مربوط به معامله جفت ارز USD/JPY در تاریخ 22/03/2006 است که در نمودار فوق مشاهده می‌شود. نظر مثال قبل، مشاهده می‌کنیم که قیمت در حال عبور از EMA20 به سمت بالا است و لیون هنوز نمودار MACD مثبت نشده است. می‌توان بازار وارد نمی‌شود. سپس می‌شود و ما صبر می‌کنیم تا قیمت در مسیر صعود خود 10 پیپ با EMA20 فاصله گیرد و در این حال بازار در معامله خرید می‌شود. قیمت ورود به بازار 116.67 است. در حالی که EMA20 برای 116.57 باشد. در این مثال موضوع کمی پیچیده تر است. حد زبان 20 پیپ زیر EMA20 تعیین می‌شود و از 20-57.11 تا 116.37=116.57 و حد سود معامله اول، برای مقدار زبان پذیرفته شده پایین 10 پیپ بالاتر از قیمت ورود است. در نقطه 116.97. پنج
دقيقة بعد این معامله به حد سود خود برخورد می کند. پس از بسته شدن معامله اول ما حد توقف کششی را به 15 پیپ کمتر از EMA20 منتقل می کنیم. معامله دوم در قیمت 117.07 و در ساعت 18:00 بسته می شود. میانگین سود این دو معامله 35 پیپ است. با اینکه این معامله به اندام معامله قبلی بر سود نبود، نمودار نشان می دهد که قیمت به خوبی در جهت معامله ما حرکت کرده است.

Setup 1 - Five-Minute “Momo” Trade, NZD/USD

اولین مثال مانند معامله فروش در مثال فوق روز جفت ارز ارائه می شود. مشاهده می کنیم که قیمت EMA20 را به سمت پایین قطع می کند ولی هنوز هیستوگرام MACD مثبت است. بنابراین صبر می کنیم تا MACD هم 25 دقیقه بعد خط صفر را قطع کرده و منفی شود. ورود به معامله فروش در قیمت 6294.00 انجام می شود. نظیر مثال EMA20 وضعیت کمی پیچیده است و منفی شدن MACD با عبور قیمت از USD/JPY نشده است. در حالی که در مثال اول این دو همزمان انجام شده بودند.

Figure 1 - 3

اولین مثال مانند معامله فروش در مثال فوق روز جفت ارز ارائه می شود. مشاهده می کنیم که قیمت EMA20 را به سمت پایین قطع می کند ولی هنوز هیستوگرام MACD مثبت است. بنابراین صبر می کنیم تا MACD هم 25 دقیقه بعد خط صفر را قطع کرده و منفی شود. ورود به معامله فروش در قیمت 6294.00 انجام می شود. نظیر مثال EMA20 وضعیت کمی پیچیده است و منفی شدن MACD با عبور قیمت از USD/JPY نشده است. در حالی که در مثال اول این دو همزمان انجام شده بودند.
پس ما در قیمت 0.6294 وارد شدیم. حین تغییر 20 EMA می‌باشد 0.6301. حین این نقطه بیش از EMA باشد نیز با فاصله ای برابر با حد زمان تعیین می‌شود. حین این نقطه 0.6261 با در نظر گرفتن 3 بیش اضافه از حیدر زمان پسینه وارد شدیم. حین این نقطه بیش از EMA باشد نیز با فاصله ای برابر با حد زمان تعیین می‌شود. حین این نقطه 0.6262 و در ساعت 07:00 در اثر برخورد با حد زمان کلیفی بسته می‌شود و میانگین سودی برابر 29.5 بیش از این دو معامله حاصل می‌گردد.

Setup 1 - Five-Minute “Momo” Trade, GBP/USD

نمودار فوق فرصت معاملاتی بیش از آن‌ها را نشان می‌دهد که در تاریخ 10/03/2006 بوجود آمده است. در این نمودار قیمت EMA20 را قطع کرده و 10 دقیقه بعد نیز خط صفر را قطع کرده است. بنابراین نقطه ورود 17.375 بیش از آمده است. حین حیدر EMA20 بیشتر از 20 بیش از این دو معامله اول 1.7385=1.7405 هدف بخش اول EMA20
معامله برای با مخاطره بذرنرته شده است. بعنی 30-17375*1.7345. با رسیدن بخش اول معامله به هدف قیمتی خود، حد توقف کشکی بخش دوم به نقطه ورود و سپس به 15 بیش از EMA20 منتقل می‌شود. بخش دوم معامله عملاً در قیمت 1.7268 در ساعت 13:35 بسته شده است و میانگین سود حاصل از این دو معامله 68.5 پیپ محاسبه می‌شود. جایل انجامش که به سود رسیدن معامله دوم دقیقا در جای انجام شده است که نیز از منطقه منفی خارج شده است.

بطوریکه مشاهده می‌کنید استراتژی Momo در جارچوب پنج دقیقه ای یک استراتژی بسیار قدرتمند بر اساس مومنتوم برای حركات برگشتی است. ولی این استراتژی همیشه موفق نیست و ضروری است که مثالی از ناموفق بودن آن را برسی کنیم تا آن را در پایین.

Setup 1 - Five-Minute “Momo” Trade, EUR/CHF

Figure 1 - 5

آخرين مثال از استراتژی Momo EUR/CHF در جارچوب پنج دقیقه ای را در نمودار فوق مشاهده می‌کنید که در تاريخ 21/03/2006 بوقع پیوسته است. در این نمودار قیمت EMA20
را به سمت باین قطع گرده است و 20 دقیقه بعد نیز MACD با قطع خط صفر از منطقه مثبت به منفی وارد شده و منجر به سیگنال ورود در نقطه ۱۵.۷۱۱۱ گردیده است. حد زیان 20 پیپ بیشتر از قرار داده می‌شود عیب 20۰+۲۱=۱.۵۷۱۲. هدف اولین بخش از معامله برای با مخاطره بذخرب شده عیب ۳۰ پیپ کمتر از نقطه ورود است. عیب ۱.۵۷۱۲=۱۵۶۸۱.

قیمت کاهش می‌یابد و به ۱.۵۶۹۶ می‌رسد ولی این کاهش هنوز برای ریسیدن به هدف قیمتی ما کافی نیست. سپس قیمت برگشت می‌کند. به حد زیان پرخورده می‌نماید و منجر به زیان 30 پیپ روز کل معامله ما می‌شود.

مهم‌ترین مسئله ای که در استراتژی Momo در چارچوب پنج دقیقه ای باید مورد توجه قرار گیرد، دامنه نوسان قیمت است. دامنه نوسان نباید خیلی کم و یا خیلی زیاد باشد. در مواقعی که بازار بسیار آرام باشد ممکن است قیمت دائمی دو طرف ۲۰ هرکت کنند و در عین حال نیز مداوماً خط صفر را قطع کنند و تعداد سیگنال نادرست تولید نماید. در مقابل اگر این استراتژی روی جفت ارزی با دامنه نوسان بسیار زیاد به کار گرفته شود ممکن است قبل از پرخورده به هدف به حد زیان پرخورده نماید.

2- استراتژی «کار صحیح را انجام بده» بر اساس CCI

تصمیم گیری صحیح کار بسیار دشواری در زندگی است. در معامله گری نیز همینطور است. برای بسیاری از معامله گران خرید در قیمت های بالا یا فروش در قیمت های پایین دشوار است. از گذشته ما عادت داشته ایم که به دنبال قیمت های ارزان باشیم و ارزان بخریم و در موقع فروش گران بفروشیم. با وجود اینکه اکثر معامله گران ادعای همخوانی با روند را دارند ولی در واقع به دنبال این هستند که ارزان بخرند و گران بفروشنند. معامله گری بر اساس برگشت می تواند بسیار سودآور باشد (ما در آینده استراتژی های متعددی در این رابطه معرفی خواهیم کرد) ولی در مواقعی که روندی قوی وجود داشته باشد می تواند بسیار یک رحمنه عمل کند و معامله گر را با پرخورده به حد زیان مواجه نماید. بعضی مواقع بسیار ساده تر و سودآورتر این است که با جریان قیمت همراه شویم. هنوز بسیاری از معامله گران به معامله بر اساس شکست بی میل هستند و بیم دارند که آخرین کسانی باشند که در انتهای یک روند صعودی اقدام به خرید نموده‌اند.

چگونه می‌توانیم با اطمینان به معامله موفق بر اساس شکست دست بزنیم؟ استراتژی «کار صحیح را انجام بده» برای پاسخگویی به این سوال طراحی شده است. این استراتژی زمانی به خرید با فروش فرمان می‌دهد که بسیاری از معامله گران از آن دوری می‌جویند. در واقع این استراتژی
معامله گر را در موقعیتی که بسیاری از معامله گران از ادامه روند مایوس هستند، در جهت روند قرار می‌دهد. تعلیم شدن معامله گران ضد روند در برای مومنتوم قوی روند موجب سود آوری معاملات حاصل از این استراتژی در مدتي کوتاه می‌شود و شما را قادر می‌سازد که طی مدت کوتاهی بس از ورود به معامله با سود از آن خارج شوید.

استراتژی «کار صحتی را انجام بده» از انديکاتور پهپاره می‌برد که کمتر در معاملات فارکس مورد استفاده قرار می‌گیرد. این انديکاتور «شاخه خالی کالا» یا CCI نام دارد که ابتدا توسط دونالد لامبرت در سال 1980 معرفی شد و برای حل مشکلات مربوط به سیگنال‌های طراحی شده بود. تمرکز بر اندازه گیری انحراف قیمت یک جفت از میانگین آماری آن قرار دارد. به همین دلیل CCI یک انديکاتور بسیار مناسب و حساس برای اندازه گیري مومنتوم است و به ما کمک می‌کند که بالاترین احتمال موثریت را برای استراتژی خود حاصل نماید.

بدون درگیر شدن در فرمول ریاضی این انديکاتور توجهی متشکل این CCI یک انديکاتور بدون حد است و معمولا مقادیر بیش از 100+ حاکی از اشتباه از فروش بودن و مقادیر کمتر از 100- حاکی از اشتباه از خرید بودن قیمت است. ولی ما این مقادیر به عنوان نقاط ماشی ورود به معامله به صورت کابر دری متواوست از کابر درد معاف CCI استفاده می‌کنیم. ما به دنبال ورود به معامله خرد در شرایطی هستیم که CCI یک حداکثر جدید بیش از 100 تشکیل دهد و به همین ترتیب با تشکیل یک حداقل جدید کمتر از 100- وارد معامله فروش خواهیم شد. در استراتژی کار صحتی را انجام بدهما به دنبال یک حركت جدید در مومنتوم هستیم که بتواند موجب صعود یا نزول بیش از بیش قیمت شود. فرضیه پشتیبانی این استراتژی مشابه اصل بقاء اندازه حركت در فیزیک است. یک حداکثر یا حداقل جدید در CCI به‌ویژه می‌تواند قیمت را در جهت خود به جلو براند قابل اینکه قیمت متوسط شود با برگردند.

قواعد معامله خرد

1) در نمودار روزانه یا ساعتی اندیکاتور CCI را با تنظیم 20 دوره ای نصب کنید.
2) حداکثر مقداری را که CCI در نویت قبلی به بیش از 100 رسیده و پس از آن به کمتر از 100 کاهش یافته بیابید.
3) این مقدار حداقل را بیابید و ثبت کنید.
(4) اگر بار دیگر CCI به بیش از 100 و نیز حداکثر قبیل رسید، با بسته شدن کندل وارد معامله خرید شوید.

(5) از حداکثر کندل ذکر شده به عنوان حد زبان استفاده نمایید.

(6) هر گاه سود شما برابر با حد زبان شد نیمی از معامله را ببنید و حد توقف نیم دیگر را به نقطه ورود منتقل نمایید.

(7) هر گاه سود معامله دوم به دو برابر حد زبان شما رسید معامله دوم را هم ببنید.

قواعد معامله فروش

(1) در نمودار روزانه یا ساعتی اندازه‌گیری CCI را با تنظیم 20 دوره ای نصب کنید.

(2) حداکثر مقداری را که CCI در نوبت قبلی به کمتر از 100- رسیده و پس از آن به بیش از 100- کاهش یافته بیابید.

(3) این مقدار حداقل را ببایید و ثبت کنید.

(4) اگر بار دیگر CCI به کمتر از 100- و نیز حداقل قبیل رسید، با بسته شدن کندل وارد معامله فروش شوید.

(5) از حداکثر کندل ذکر شده به عنوان حد زبان استفاده نمایید.

(6) هر گاه سود شما برابر با حد زبان شد نیمی از معامله را ببنید و حد توقف نیم دیگر را به نقطه ورود منتقل نمایید.

(7) هر گاه سود معامله دوم به دو برابر حد زبان شما رسید معامله دوم را هم ببنید.

به مثل های بعدی توجه فرمایید:
اولین مثال مربوط به جفت ارز EUR/USD است. مشاهده می‌کنیم که یک سقف بیش از 100 در CCI مقدار در تاریخ 5 سپتامبر 2005 بوجود آمده و این مقدار حداقلی در EUR/USD بوده است. بیش از همه طول کشیده تا CCI بتواند مجددا صعود کرده و در تاریخ 13 دسامبر 2005 مجددا به همین مقدار برسد. مشاهده می‌کنید که طی این مدت، روند نزولی بوده و تلاش قیمت برای شکست روند نزولی باها ناکام مانده است. ولی در تاریخ 13 دسامبر 2005، به 162.61 رسیده و با بازگشت روند روزانه اقدام به خرید در قیمت 1.1945 گردید. قیمت حداقل بین 11906 به عنوان حد زیان استفاده شده است. هدف اول معامله برابر با مخاطره پذیرفته شده یعنی حدود 40 یپ دلار بوده است. نیم از معامله در این هدف قیمتمان یعنی 11985.1 بسته شده و نیم دیگر معامله با هدف سود دو برای این مقدار به راه خود ادامه داده و در قیمت 2035.1 بسته شده است. نسبت سود به مخاطره این معامله 1.5 است. یعنی اگر در 50٪ مواقع معامله به سود برسد، این استراتژی داری سود آوری مناسبی خواهد بود.
همچنین توجه کنید که کسب سود در این معامله به سرعت و در کمتر از 24 ساعت اتفاق افتاده است که به دلیل مومنتوم بالای قیمت در حركة صعودی خود می‌باشد.

Setup 2 - “Do the Right Thing” CCI Trade, EUR/USD

برای معامله گرانی که مایل نیستند حدود سه ماه برای ورود به یک معامله صبر کنند، استفاده از نمودار یک ساعت بهتر می‌باشد. است که فرصت‌های معاملاتی بسیار بیشتری را ارائه می‌نماید. حتی در این صورت، بهتر است که تعداد معاملات منظم نیستند و در حدود یک ماه موفق بودن این استراتژی است. چرا که یک پند معروف معاملاتی می‌گوید: تعداد معاملات کمتر معامله پیتر. ولی به هر صورت در چارچوب یک ساعت تعداد معاملات بسیار بیش از چارچوب روزانه خواهد بود. در شکل فوق نمودار قیمت EUR/USD را بین 24/28 مارس 2006 مشاهده می‌کنید. در ساعت 1 بعد از ظهر روز 24/28 مارس انگیزه CCI یک نقطه حداکثر در 142.96 ثبت کرد. در ساعت 4 صبح روز 28/28 مارس یک نقطه حداکثر بیشتر در 184.72 تشکیل داده است. با استناد کندل در نقطه 1.2027 ما وارد معامله خرد شدیم و حد زیان را در حداقل کندل یعنی 1.2027.1 قرار دادیم. قیمت برای چند ساعت فشرده شد ولی پس از
آن به سوی هدف قیمتی اول ما یعنی ۱.۲۱۰۳ حرف کرد و نیمه اول معامله در ساعت ۸ صبح ام مارس ۲۰۰۶ بسته شد. حد توقف معامله دوم را به نقطه ورود منتقل کردیم تا از ورود معامله خود به زبان جلوگیری کنیم. این نیمه معامله چند ساعت بعد در نقطه سر به سر بسته شد و فقط ۴۰ پیپ سود معامله اول برای ما باقی ماند. ولی به یاد داشته باشید نیمی از نان بپردازی هر هیچ است. اگر از فرصت هایی که پازار در اختیار ما می گذارد به خوبی استفاده کنیم، این نیمه های نان می توانند به تمام یک نانولی تبدیل شود.

Setup 2 - “Do the Right Thing” CCI Trade, USD/CHF

مثال سوم مربوط به معامله فروش جفت ارز USD/CHF در چارچوب زمانی روزانه است. در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۴ یک کف قیمتی در اندرکاتور CCI در مقدار ۱۳۱.۵ تشکیل شده است. چند روز بعد از این کف عبور رده و به مقدار ۱۳۳.۶۸ می رسید. در اینجا با استفاده از فنیکول روزانه و CCI در نقطه ۱.۲۴۴۵ وارد معامله فروش می شویم و از مقدار حداکثر کندل یعنی ۱.۲۵۴۵ به عنوان

Figure 2 - 3

حتی زبان استفاده می‌نماییم، اولین هدف قیمتمی‌ی که یعنی ۱.۲۳۴۵ فقط دو روز بعد حاصل شد و نیمی از معامله را در این قیمت با ۱۰۰ پیپ سود بستیم. حد توقف نیمه دوم معامله به نقطه ورود منتقل و اجازه داده شد که باز هم قیمت در جهت افزایش سود ما کاهش یابد. نیمه دوم معامله در روز ۱۹ اکتبر یعنی پنج روز پس از ورود به معامله با ۲۰۰+ پیپ سود در قیمت ۲۲۴۵.۱ به‌سته شد. یعنی در این معامله در مجموع ۳۰۰ پیپ سود بدست آمد. درحالی که ریسک پذیرفته شده ۲۰۰ پیپ بوده است. در روزهای بعد نیز برگشت قیمتمی مشاهده نمی‌شود چرا که مونتمور قوی نزولی، قیمت را همچنان به پایین رانده است. این چیزی است که ما احتمال قوی در موفقیت می‌نامیم و همان چیزی است که استراتژی "کار درست را انجام بده" به شما ارزنی می‌دارد.

**Setup 2 - “Do the Right Thing” CCI Trade, EUR/JPY**

![Image of EUR/JPY chart showing setup steps](Image)

**Figure 2 - 4**

مثال چهارم معامله کوتاه مدت دیگری را در فروش EUR/JPY نمایش می‌دهد. در ساعت ۹ بعد از ظهر ۲۱ مارس ۲۰۰۶، نمودار قیمت این جفت ارز یک نقطه کف در ۱۱۵.۱۹ را ثبت نموده است. تقریباً پنج روز بعد یعنی در ساعت ۸ بعد از ظهر روز ۲۶ مارس ۲۰۰۶ امکان ورود به یک
معامله بر اساس قواعد استراتژی کار درست را انجام بده حاصل شده است. در ایجاد به CCI مقدار 1.3368- کاهش یافته و با بسته شدن کندل وارد معامله فروش شد. این کندل یک کندل بسیار پر در چارچوب یک ساعت بود و باعث شد که ما مجبور باشیم پذیرش مخاطره ای به میزان 74 پیپ باشم. ورود به معامله فروش در قیمت 140.79 و حد زیان در نقطه 141.51 قرار داده شد. اکثر معامله گران از ورود به معامله فروش در این مقطع هراس داشتند و فکر می کردند که ادامه نزول چندان محتمل نیست. ولی ما به استراتژی خود اعتقاد داشتیم و آنرا دنبال نمودیم. قیمت ابتدا کمی فشرده شد ولی پس از آن کاهش یافته و کمتر از 24 ساعت بعد یعنی در ساعت 1 بعد از ظهر 27 مارس 2006 به اولین هدف قیمتی ما رسید و سود قابل توجه 74 پیپ مورد نظر حاصل شد. بار دیگر حد توقف را به نقطه ورود منطق نمودیم. این جفت ارز به کف خود رسید و صعود کرد و در نتیجه نیمه دوم معامله ما در نقطه ورود بسته شد. با وجود اینکه قیمت به هدف دوم ما نرسید ولی این معامله سود مناسب 74 پیپ نصیب ما کرد بدون اینکه به مقدار قابل توجهی در زیان فرو رفته باشد.

Setup 2 - “Do the Right Thing” CCI Trade, AUD/USD

Figure 2 - 2
آخرين مثال ما نشان مي دهد كه چگونه اين استراتژي مي تواند منجر به زيان شود و استفاده از حد زيان را چه حد مهم است. استراتژي «كار درست را انجام بده» برای حصول سود بر مومنتوم تكه مي كند. وقتی كه مومنتوم نتواند قيمت را به حرکت در اورد نشانه اين است كه شايد برگشت قيمت در راه باشد. در مثال فوق نمودار RA در چارچوب زمانی یک ساعت مشاهده مي كند. مشاهده مي كند كه اين نمودار در تاريخ 2 مي 2006 تشكيل داده است. جندي روز بعد 11 صبح 4 مي 2006 انديكاتور CCI به مقدار 1.4944 رسيده و یک سيگنال ورود به معامله خريزي صادرا نموده است. نقطه ورود 0.7721 و حد زيان 0.7709 بوده است. توجه کنيد كه قيمت به چای بالا رفتن يكباره سقوط كرده است. قيمت در اين سقوط به 0.7675 رسيده و اکثر معامله گر حاضر نبود حد زيان 12 بيبي منطبق با استراتژي را تحمل كند مجبور به پذيرش اين زيان سگين سه براري مي شد. بنابراین توجه داشته باشيد كه در استراتژي «كار درست را انجام بده» نيز امکان معامله زيان ده و برخورد به حد زيان وجود دارد.

MACD

3- استراتژي تركيبي ميانگين متحرك و

در تئوري معامله گري بر اساس تعقيب روند بسيار ساده است. گني كاري كه باید انجام دهيد اين است. وقتی قيمت در حال صعود است معامله خريد داشته باشيد و وقتی قيمت در حال نزول است معامله فروش. ولی در عمل جنين معاملاتي بسيار مشکل است. وقتی به دنيال يك فرصت معاملاتي برای معامله بر اساس روند هستيد، ممکن است اين سوالات به ذهن شما خطر دارد:

چه موضع اين روند تمام مي شود؟

آيان الان باید با روند همراه شوم و يا منتظر يك حرکت بازگشتی بمانم؟

چه موضع اين روند تمام مي شود؟

پزشکين وهمه يك معامله گر بر اساس روند. اين است كه بسيار دير با روند همراه شود. يعني در نقطه اي كه روند رو به افول است. با وجود اين مشکلات معامله گري بر اساس روند يك از موارد توجه ترين بسي كه معاملاتي است. چرا كه وقتی يك روند كوتاه مدت یا بلند مدت شكل مي کرده، مي تواند برای ساعت ها، روزها و حتی ماهها ادامه داشته باشد. ما برياي اين منظور استراتژي ای طراحي کرده ايم كه ضمن باسلامتی به سوالات فوق مي تواند نقاط ورود و خروج را نيز ديقيقا مشخص نمايد. اين استراتژي استراتژي تركيبي ميانگين متحرك و
نام دارد. ما دو میانگین متحرک MACD و میانگین متحرک SMA50 و میانگین متحرک SMA100 دوره ای 100 و 50 دوره ای 100 دوره ای ساده، در استراتژی خود به کار گرفته ایم: میانگین متحرک میانگین دو میانگین متحرک را برای این استراتژی استفاده داریم. ما این استراتژی را برای یک ساعت و در زمان طراحی کرده ایم. SMA50 به عنوان ماشی برای تعیین نقاط ورود به کار می‌روید. در حالی که کاهش MACD به یکی از میانگین های متحرک را در جهت قطع قرنده کرده باشد و وجود اینکه این استراتژی از منطقی مشابه استراتژی می‌پره می‌برد. ولی برای هر باری که یک ساعت و در زمان طراحی وقوع ورود و فروش را برای این استراتژی که قیمت میانگین های بلند و نیمه دوم بازار را وارد عمل می‌کند، وارد عمل می‌شود.

قوانین ورود به معامله خرید:

(1) در موقعی که قیمت کمتر از هر دو میانگین متحرک 50 و 100 دوره ای است، بازار را زیر نظر بگیرید.

(2) هر گاه قیمت یکی از میانگین متحرک ها به سمت بالا قطع کرده و از آن 10 پیپ فاصله گرفته، به اندازه‌گیری MACD نگاه کنید. اگر این اندازه‌گیری در سطح 5 میلی‌مثابه اخیر از منفی به مثبت تغییر جهت داده است، وارد معامله خرید شوید.

(3) حد زیان را در نقطه حداکثر بیان می‌شود. قبلی قیمت قرار دهید.

(4) نمی‌شود معامله را با سود دو برابر مخاطره‌ای که پذیرفته ایم. بیننده و در نیم دیگر حد نیافتن را به نقطه ورود منطق فرامی‌سازی.

(5) نمی‌شود معامله را وقتی بیننده که قیمت SMA50 را به سمت پایین شکسته و 10 پیپ با آن فاصله گرفته باشد.

قوانین ورود به معامله فروش:

(1) در موقعی که قیمت بیش از هر دو میانگین متحرک 50 و 100 دوره ای است، بازار را زیر نظر بگیرید.

(2) هر گاه قیمت یکی از میانگین متحرک ها به سمت بالا قطع کرده و از آن 10 پیپ فاصله گرفته، به اندازه‌گیری MACD نگاه کنید. اگر این اندازه‌گیری طی میلی‌مثابه اخیر از منفی به مثبت تغییر جهت داده است، وارد معامله فروش شوید.
(3) حد زیان را در نقطه حداکثر پنج میله قبل قیمت قرار دهید.

(4) نیمی از معامله را با سود دو برای مخاطره ای که پذیرفته اید. ببنید و در نیم دیگر
حد توقف را به نقطه ورود متقابل قرار دهید.

(5) نیمه دوم معامله را وقتی ببنید که قیمت SMA50 را به سمت بالا شکسته و 10 پی بنا آن فاصله گرفته باشد.

اگر قیمت بین دو میانگین متحرک 50 و 100 دوره ای است وارد معامله نشود.

به مثال های بعدی توجه نمایید:

Setup 3 - Moving Average MACD Combo, EUR/USD

اولین نمودار، قیمت EUR/USD را در چارچوب زمانی یک ساعت نمایش می دهد. معامله خرید در 13 مارس 2006 در زمانی که قیمت هر دو میانگین متحرک 50 و 100 دوره ای را به سمت بالا شکسته، شکل گرفته است. ابتدا ما فروش را به معامله خرید وارد نشده چون MACD بیش از 5
میله قبیلی از منفی به مثبت تغییر جهت داده بود. بنابراین صبر کردنی‌تر تا MACD با دیگر از منفی به مثبت تغییر جهت دهد تا آن موقع وارد بازار شویم.

ما صبر کردنی‌تر تا MACD نیز خط صفر را به سمت بالا باشکنیم. مانند ورود به معامله خرید چندی بعد و در قیمت 1.1945 با تغییر جهت MACD از منفی به مثبت چکانده شد و ما در این قیمت به معامله خرید وارد شدیم. حد زیان در نقطه حداقل 5 میلی قیلی به 1.1917 فرار داده شد. اولین هدف قیمتی ما دو برابر ریسک 28 پیپ یعنی 56 پیپ سود در قیمت 1.2001 بوده است. این هدف در ساعت 11 صبح روز بعد محقق شد و نیمه اول معامله با این سود خاتمه یافت. حد توقف نیمه دوم معامله به نقطه ورود منتقل شد و برای پستن معامله دوم صبر کردنی‌تر قیمت SMA50 را به سمت پایین قطع کرده و 10 پیپ از آن فاصله بگیرد. این شرایط در 20 مارس 2006 در ساعت 10 صبح پدید آمد و ما از نیمه دوم معامله در قیمت 1.2165 با میانگین سود 138 پیپ خارج شدیم.

شاید بپرسید: چرا فقط از تغییر جهت برای ورود استفاده نکنیم؟ در نمودار قبل می‌توانید مشاهده کنید که تغییر جهت این اندازه‌های تا 15 مارس 2006 چند بار به وقوع پیوسته است و اکثر تغییر جهت‌ها از مثبت به منفی و نیز تعدادی از تغییر جهت‌ها از منفی به مثبت سیگنال هایی نادرست بوده اند که بدون وارد شدن به سود قابل توجه به حد زیان برخورد می‌کرده اند.

در مقابل شاید عده‌ای دیگر سوال کنند که: چرا فقط با نقاط مبتنی‌تر دو از بازار وارد نشویم؟ در این شکل مشاهده می‌کنید که سیگنال فروش حاصل از نقاط مبتنی‌تر دو از منفی به مثبت همزمان بوده است و به همین دلیل یک سیگنال نادرست برای فروش تلقی می‌گردد.
Figure 3 - 1a

Moving Average Crossover issues a false sell signal as MACD turns positive
نمودار فوق قیمت USD/JPY را در چارچوب زمانی روزانه نشان می‌دهد. سیگنال ورود به معامله خرید در 16 سپتامبر 2006 با شکست میانگین های متحرک 50 و 100 روزه توسط قیمت با 10 پیپ فاصله در قیمت 110.95 صادراً شده است. در همین زمان اندازه‌گیری شده از MACD طی کمتر از 5 میله قبلی از منفی به مثبت تغییر جهت داده و این سیگنال را تایید نموده است. حد زیان در حداکثر 5 میله گذشته در 109.98 قرار داده شده ولایان هدف قیمتی دو برای مخاطره پذیرفته شده. یعنی 114.89 بوده است. این هدف قیمتی وارد شده بعد در تاریخ 13 اکتبر 2005 حاصل شده و میزان بستن نیمه اول معامله، حد توقف نیمه دوم را به نقطه ورود متوقع نموده. خروج از معامله دوم در شرایطی انجام شد که قیمت میانگین متحرک 50 روزه را به سمت بالاتر قطع کرده و 10 پیپ نیز از آن فاصله گرفت. این شرایط بین روز 14 دسامبر در قیمت 117.43 پیدا و میانگین سود حاصل از مجموع این دو معامله 521 پیپ بوده است.
توجه داشته باشید که با استفاده از نمودار روزانه، همانگونه که سود ها زیاد می شوند حد زیان نیز افزایش می یابد. در این معامله ما مجبور شدیم که 200 پیب حد زیان را بیذبیریم و در عین حال توانستیم به سود میانگین 521 پیب دست پیدا کنیم که بیش از 2 برابر حد زیان ما بود.

همچنین معامله بر اساس نمودار روزانه نیاز به حوصله بسیار بیشتری دارد. جرا که معامله ما می توانند حتی برای چند ماه بار بمانند.

Setup 3 - Moving Average MACD Combo, AUD/USD

نمودار فروش مثالی از معامله فروش با در نمودار یک ساعت AUD/USD از تاریخ 16 مارس 2006 نشان می دهد. قیمت برای مدتی در دامنه بین میانگین های متحرک 50 و 100 دوره ای نوسان داشته است. ما صبر کردنم تا قیمت هر دو این میانگین متحرک ها را بشکند و در عین حال طی پنج میلی اخیر از مثبت به منفی تغییر داده باشد. (این شرایط وجود آمد و ما

وقتی که میانگین متحرک به اندازه 10 پیب از نزدیکترین میانگین متحرک (در اینجا SMA100) فاصله گرفته وارد معامله فروش شدیم، ورود به معامله فروش در قیمت 0.7349 و 0.7341 انجام شد و

Figure 3 - 3
حد زیان در نقطه حداکثر بپذیرد. بنابراین، قیمتی 0.7376 قرار داده شد. پس از 0.7295 قرار داده شد، این هدف قیمتی 7 ساعت بعد حاصل گردید و حد توقف معامله دوم روی نقطه ورود تنظیم شد و به انتظار ماند. در تاریخ 22 مارس 2006 حاصل شد که قیمت در 0.7193 قرار داشت و میانگین 105 پیپ سود را برای ما حاصل نمود. با توجه به اینکه ما تنها 27 مخاطره را در این معامله پذیرفتیم، این سود مقدار بسیار قابل توجهی است.

**Setup 3 - Moving Average MACD Combo, EUR/JPY**

به مثالی دیگر از معامله فروش در تاریخ 19 ژوئن زمانی روزانه جفت ارز EUR/JPY به مثال دیگری می‌پیوند، مثال هایی که در تاریخ 19 ژوئن زمانی روزانه بازه دارند بازه دارند. در اینجا، نمودار قیمتی می‌تواند وارد یک دامنه شود و بین دو میانگین متحرک نوسان‌های در تاریخ 25 می‌باشد.
آوریل 2005 مشاهده می‌شود که قیمت EUR/JPY هر دو میانگین متحرک 50 و 100 روزه را شکسته و به پایین نزول کرده است. در همین زمان اندازه‌گیری MACD نیز منفی شده که موبد ورود به یک معامله فروش طبق این استراتژی می‌باشد. ما در قیمت 10 یوپ کمتر از میانگین متحرک 100 روزه یعنی 137.76 وارد معامله فروش شدیم و حد زمان خود را حداقل قیمت 5 روز اخیر یعنی 140.47 قرار دادیم. این به این معنی است که ما 271 یوپ مخاطره را پذیرفتیم. اولین هدف قیمتی 132.34 (542 یوپ سود) است. این هدف قیمتی حدود یک ماه بعد در تاریخ 2 زوئن 2005 حاصل شد. در این تاریخ پس از بسته شدن نیمه اول معامله، حد توقف نیمه دوم به نقطه ورود منتقل گردید با عبور 10 یوپ قیمت از میانگین متحرک 50 روزه بسته شود. این شرایط در 30 زوئن حاصل شد و در قیمت 134.21 از این معامله خارج شدیم. در مجموعه این دو معامله میانگین سود 448 یوپ حاصل گردید.

Setup 3 - Moving Average MACD Combo, EUR/GBP

Figure 3 - 5
ارن استراتژی یک استراتژی بدون خطای نیست و نظر سایر استراتژی‌های معامله بر اساس روند، در مورد جفت ارز ها و دوره های زمانی روند در دارایی سود دهی مناسب می باشد. بنابراین استفاده از این استراتژی در معامله جفت ارزهای مانند EUR/GBP که معمولا در دامنه ای مشخص حرکت می کند کاربرد ندارد. نمودار فوق نمونه ای از شکست این استراتژی را نشان می دهد. در 7 مارس 2006 قیمت هر دو میانگین متحرک 50 و 100 ساعت را در نمودار فوق شکست و از آنها 10 پیپ فاصله گرفته است. در همین زمان نیز منفی شده و سیگنل MACD ورود به معامله فروش تایید می شود و معامله فروش در 0.6840 شکل می گیرد. حد زمان این معامله در حداکثر 5 میلی ثانیه 0.6860 قرار داده می شود. این به معنی پذیرش مخاطره 20 پیپ و هدف قیمتی 40 پیپ در نیمه اول معامله است. یعنی قیمت 0.6800 کاهش یافته ویژه به نه به انداده ای که بتواند به هدف قیمتی مورد نظر ما برخورد کند. حداقل قیمت قبل از برگشت به سمت بالا 0.6839 بود و پس از آن قیمت افزایش یافته و به حد زمان 20 پیپی در قیمت 0.6820 برخورد نمود.

بنابراین معامله گران در استفاده از استراتژی ترکیبی میانگین متحرک و MACD بايد به روند دار بودن جفت ارز، مورد معامله، توجه اکید داشته باشند. این استراتژی در معاملات جفت ارزهای اصلی به خویی مورد استفاده است. از طرفی بررسی قدرت شکست میانگین های متحرک نیز هوشمندی است. در مثال فوق اگر ما به اندعیاتور ADX همچنین است. در مثال فوق اگر ما به اندعیاتور ADX توجه کردیم، مقدار اندک آن نشان دهنده ضعیف بودن روند و نبود مومنتم کافی برای ادامه حرکت نزولی می بود.

**RSI Rollercoaster**

بعضی اوقات ساده ترین پیترین است. شاخص قدرت نسبی یا RSI نمودار والس ویلدر معروف شد و یکی از قدیمی ترین و معروف ترین ابزار های تحلیل تکنیکی است. اگر بخرایره بخش اول اندعیاتور معروف تحلیل تکنیکی را انتخاب کنیم، RSI بدون شک یکی از آنها خواهد بود. توانائی این اندعیاتور برای تعیین احتمال برگشت روند بر اساس ضعیف شدن مومنتم تقیدشده در بين اندعیاتور های تحلیل تکنیکی بی نظیر است. مقدار بیش از 70 این اندعیاتور شرایط خرابی هیجانی و مقادیر کمتر از 30 شرایط فروش هیجانی را نشان می دهد. استراتژی برای پره برداری از برگشت قیمت در این شرایط طراحی شده است. هدف این استراتژی سود بردن از نوسانات جفت ارزهای است که در یک دامنه نوسان می کنند.
اين استراتژي فقط برای پازار هاي مناسب است که قيمت در دامنه مشخصی نوسان كند و در چنين شرایطی است که شرایط خريد هیجانی يا فروش هیجانی می توانند منجر به برگشت قیمت شود. این استراتژی نيز نظیر سایر استراتژی های مطرح شده در این فصل بيشتر برای چارچوب زمانی روزانه مناسب است که جایزه هاي زمانی کوتاه تر مثل یک ساعت به دلیل این امر است که در نمودار روزانه داده های قیمتی بسیار بيشتری نیفته است تا در چارچوب های زمانی کوتاه تر. بنابراین کاهش در مومنتوم در چارچوب زمانی روزانه با معنی تر است. ولی ساختار نامتقارن نسبت مخاطره به سود در این استراتژی باعث می شود که در چارچوب های زمانی کوتاه تر هم قابل توجه باشد. با اینكه دفعات ناموفق بودن این استراتژی در چارچوب های زمانی کوتاه تر بيشتر از روزانه است. مقدار زیان نیز مسیار کوچک تر و قابل مدیریت تر هستند.

شرایط ورود به معامله خرید:
1) قبل از ورود باید RSI کمتر از 30 باشد.
2) صبر کنید تا یک کندل صعودی تشکیل شود و موقع بسته شدن آن RSI به بیش از 30 افزایش یافته باشد.
3) با شروع کندل بعد وارد معامله خرید شوید.
4) حد زیان خود را در یک نقطه کف مناسب قرار دهید.
5) نیمی از معامله را با سودی برابر 50% مخاطره پذیرفته شده ببینید و حد توقف نیمه دیگر را به نقطه ورود منتقل نماید.
6) نیم دیگر معامله در یکی از شرایط زیر بسته می شود:
   a) برخورد به حد زیان در نقطه سر به سر
   b) ورود قیمت به محدوده خرید هیجانی یعنی RSI بیش از 70 و سبسب کاهش از این محدوده که در این صورت همراه با خروج از این معامله می توان معامله بعدی فروش را آغاز نمود.

شرایط ورود به معامله فروش:
1) قبل از ورود باید RSI بیش از 70 باشد.
(2) صبر کنید تا یک کندل نیز در موقعیت پایین که از RSI 70 بیشتر است تشکیل شود.

(3) با شروع کننده بعد وارد معامله فروش شوید.

(4) حد زیان خود را در یک نقطه سقف مناسب قرار دهید.

(5) نیمی از معامله را با سودی برابر 50% مخاطره پذیرفته شده ببندید و حد توقف نیمه بسیار بیشتر نباشد.

(6) نیم دیگر معامله در یکی از شرایط زیر بسته شود:

(7) با برخورد به حد زیان در نقطه سر به سر RSI کمتر از 30 و سپس افزایش

(8) با ورود قیمت به محدوده فروش هیجانی یعنی RSI کمتر از 30 و سپس افزایشی از این محدوده. که در این صورت همراه با خروج از این معامله می‌توان معامله بعدی خرید را آغاز نمود.

نکته کلیدی این استراتژی RSI این است که ما ابتدا در انتظار یک کندل برگشتی می‌مانیم در حالی که استراتژی‌های قدیمی مبتینی بر RSI فقط به خرید یا فروش هیجانی و حرکت اندازه‌گیری توجه می‌کردند. این روند باعث می‌شود که ما از گرفتار شدن در دام سقف یا کف های نادرست در امان باشیم.

توجه داشته باشید که این استراتژی طراحی شده است که حداکثر سود ممکن را از یک معامله برگشتی کسب نماید. این استراتژی به جای توجه صرف به حالت خرید یا فروش هیجانی در بازار معامله گر را آن‌قدر در بازار نگاه می‌دارد تا علائم روشانی از برگشت قیمت مشاهده شود. گاهی در یک حرکت صعودی قوی RSI چند بار به طور متوالی در حالت خرید هیجانی قرار می‌گیرد. این استراتژی بر آن است که از این حرکت‌ها امکان سود کسب کند. توجه کنید که معامله گر این استراتژی یک کنال همیشه در بازار است و با بسته شدن یک معامله خرید یک معامله فروش آغاز می‌شود و بالعکس. فقط در صورت برخورد به حد توقف در نقطه سر به سر با حد زیان اولیه معامله گر خارج از بازار خواهد بود.

به مثال های بعدی توجه فرمایید:
Setup 4 - RSI Rollercoaster, AUD/JPY

**Figure 4 - 1**

During the period from December 12, 2005 to January 1, 2006, the AUD/JPY rate moved from 88.57 to 93.11, reaching an average of 91.11 for the period. The RSI indicator remained above 70 for a considerable period, indicating potential overbought conditions.

On December 22, 2006, the RSI crossed below 30, indicating a potential oversold condition. However, the indicator remained below 30 for several days, suggesting continued strength in the AUD/JPY pair. The price eventually bounced back above 30, indicating a potential rebound.

On December 27, 2007, the RSI crossed above 50, indicating a potential change in trend. The price then moved above 80, indicating strong buying pressure. However, the RSI crossed below 80, indicating potential overbought conditions.

In conclusion, the AUD/JPY pair showed strong buying pressure in December 2007, with the RSI indicating potential overbought conditions. However, the pair remained above the RSI levels, indicating continued strength.
استراتژی پدیدار شد و حد زبان این معامله خرید در نقطه حداکلی 84.51 قرار گرفت. عن٦

مختصره اندکی در حد ۵۰ پیپ و هدف اولیه ای با فاصله ۲۵ پیپ. این هدف روز بعد با افزایش

قیمت به ۸۵.۲۶ حاصل شد. در اینجا ما حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود منتقل کردیم

و برای حدود یک ماه در این معامله باقی ماندیم تا روز ششم فوریه ۲۰۰۶ در این روز

محدوده خرید هیجانی را ترک کرد و ما معامله خود را در قیمت ۸۸.۲۳ با ۳۲۲ پیپ سود بستیم.

در این نقطه ما بافراصله وارد یک معامله فروش شدیم و نقطه سقف ۸۹.۳۴ به عنوان حد زبان

تبعین شد. هدف اول در ۸۷.۶۸ روز بعد حاصل شد و ۵۵ پیپ سود به دست آمد. از نیمه دوم

معامله نیز در نقطه ۸۴.۰۱ خارج شدیم. وقتی که RSI معامله نیز در نقطه ۴۲۲ پیپ سود حاصل نمود. از این استراتژی طی چهار ماه سود بسیار

قابل توجه ۶۶۰ پیپ بدست آمد.

بعضی از معامله گران ممکن است حوصله استفاده از این استراتژی در چارچوب زمانی روزانه را

نداشتند باشند. به این منظور مثال بعدی در چارچوب زمانی چهار ساعت ارائه گردد است.
در نمودار چهار ساعته جفت ارز EUR/USD نیز این استراتژی مجددی موفق ظاهر می‌شود. بس از اینکه برای مدتی در محدوده خرید هیجانی بیش از 70 قرا داشته است، در تاریخ مارس 2006 به کمتر از 70 کاهش می‌یابد و مشاهده کنندال نزولی منجر به صدور سیگنال فروش بر اساس این استراتژی در قیمت 1.2187 شود. حد زیان در نقطه سقف 1.2208 در فاصله ای نزدیک قراداده می‌شود که نتیجه بذیرش مخاطره ای فقط در حد 30 پی. می‌گردد. هدف اولیه قیمتی در 1.2163 روز بعد بسته آمد و ماه حذف توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود متقابل نمودیم. این جفت ارز قابل از مشاهده یک مومنتوم صعودی بی 1.2035 کاهش یافته و لزومان نیمه دوم معامله را با سود 138 پی. بیندیم. در اینجا ما در عمق معامله خرید 100 پی. بندیم، با مخاطره بزرگتری به میزان 100 پی. چون کف در نزولی 1.9535 بود. قیمت افزایش یافته و هدف اول به سادگی در قیمت 1.2085 با 50 پی. سود بسته آمد. ما آنقدر در معامله باقی ماندیم که نیمه دوم معامله در نقطه سرد به سر بسته شد. در این مثال 203
پیپ سود با پذیرش مخاطره 260 پیپ بدست آمد. با وجود اینکه در اینجا نسبت سود به مخاطره اندکی کمتر از یک است. ولی احتمال بحال موافقت باعث می‌شود که در مجموع این استراتژی سود آور باشد.

Setup 4 - RSI Rollercoaster, USD/CHF

Figure 4 - 3

حال به چارچوب زمانی یک ساعته می‌رویم تا مشاهده کنیم که استراتژی RSI Rollercoaster در
این چارچوب زمانی جنگان موفق نیست. از 3 آوریل 2006 شروع می‌کنیم که استراتژی سیگنال
فرش در قیمت 1.3090 را با حد زبان 35 پیپ در نقطه 1.3125 صادره می‌کند. معامله به
سرعت در جهت سود و بسته شدن نیمه اول معامله با 17 پیپ سود بیش رفت. حد توقف نیمه
دوم معامله به نقطه ورود مبتنی شد و قیمت نباید 1.2902 کاهش یافته و سیگنال خروج از معامله با
197 پیپ سود و ورود به یک معامله خرید صادراً گردد این سیگنال ها تا سه بار تکرار و هر
بار با حد زبان بسته شد. بنابراین ما 28 و 36 پیپ زبان در هر دو نیمه معامله متحمل شدیم.
این زبان های پیاپی تمام سود معامله فروش قبلاً را بلعید و نهایتاً 8 پیپ زبان پدید آمد. مشکل‌از
اینجا بود که وقتی حرکت صعودی آغاز می‌شد که آگاهی RSI بیش از ۳۰ بود و استراتژی ما هیچ‌گونه نشان نمی‌داد. سیگنال ورودی صادراً نمی‌کرد.

چه باید کرد؟ ساده‌ترین راه حل این است که از استراتژی RSI Rollercoaster در چارچوب های زمانی کمتر از ۴ ساعت استفاده کنیم. این استراتژی برای افراد که از تغییر جهت‌های اصلی در قیمت طراحی شده و بیشترین عملکرد آن در بازار های دامنه‌دار است که قیمت بطور مداوم از حالت فروش هیجانی به خرید هیجانی تغییر جهت می‌دهد. چارچوب زمانی یک ساعت بیش از حد برای این اندازه‌گیره‌های حساس است و باعث تولید سیگنال‌های نادرست زیادی می‌شود. در چارچوب زمانی یک ساعت بهبود پیش می‌آید که RSI رولرکوست در حالت خرید هیجانی یا فروش هیجانی خارج شود بدون اینکه واقعاً تغییر جهتی در کار باشد. البته می‌توان اصلاحاتی از این استراتژی در چارچوب زمانی یک ساعت بهبود پیش می‌آید که RSI Rollercoaster در حالت ایده‌آل، مخاطره RSI Rollercoaster در چارچوب زمانی یک ساعت نباید بیش از ۱۵ پیپ باشد. البته این تغییر باعث می‌شود که معامله‌گر با حد زبان‌های بیشتری برخورد کند و حتی در مواردی با زبان‌های متوالی مقایسه شود. ویلی سه‌پا حتی جهان زبان متوالی کوچک لطمه‌های زیادی به حساب وارد نمی‌کند و یک معامله موفق با سود ۱۰۰ پیپ یا بیشتر می‌تواند نشان می‌دهد مثبت شدن حساب که در چارچوب زمانی یک ساعت بهبودی و پایین نریز هیجانی قیمت زیاد هستاند و محدود کردن دامنه زبان‌ها. می‌تواند منجر باشد که در نهایت این استراتژی گردید.
در آخرین مثال کاربرد استراتژی RSI Rollercoaster در نمودار یک ساعته GBP/USD از 27 مارس تا 29 مارس 2006 را ملاحظه فرمائید. 

ما دقیقا همان قواعد قبلی را فقط با یک اصلاح به
کار خواهیم برد: اگر حد زیان بیش از 35 پیپ محاسبه شد، اصلا به آن معامله وارد نمی شویم. در 
تاریخ 27 مارس ساعت 1:00 صبح یک سیگنال فروش در قیمت 1.7438 با مخاطره 24 پیپ صاد
در و اجرای وارد معامله در جهت زیان ما پیش رفت و با حد زیان بسته شد. در همین روز 
گردد. معامله در جهت زیان ما پیش رفت و با حد زیان بسته شد. در همین روز 
سیگنال فروش دیگری در قیمت 1.7477 صاد. شد. در این مراتب مخاطره اندکی برابر 10 پیپ 
پذیرفته شد. نیمی از معامله با سود 50٪ این مخاطره در قیمت 1.7472 بسته و حد توافق به 
نقطه ورود منتفی گردید. باز هم قیمت در جهت زیان ما حركت کرد و در توانستیم در قیمت 
ورود از معامله خارج شویم. نهایتاً در نیمه روز 28 مارس سومین سیگنال فروش در قیمت 
1.7504 با مخاطره قابل توجه تر 32 پیپ صاد. گردید که در محدوده 35 پیپی ما قرار داشت. 
نیمی از این معامله را در قیمت 1.7488 با 16 پیپ سود بستیم و حد توافق را به نقطه ورود منتفی
نمودیم. سپس قیمت کاهش قابل توجهی داشت و تا 1.7315 پایین آمد و 189 پیب سود حاصل نمود. در مجموع این معاملات چند روزه 162 پیب سود حاصل شد. توجه داشته باشید که عمده این سود فقط از نیمه دوم معامله سوم بدست آمد و در بقیه معاملات سود یا زبان های کوچک یا بسته شدند در نقطه سر بر سر را شاهد بودیم. در چارچوب های زمانی کوتاه مدت استراتژی یک استراتژی با احتمال پایین سود ده بودند یک معامله ولی سود زیاد در معاملات سود ده. می باشد و معامله گر باید به دو نکته کلیدی توجه داشته باشند. 1) باید معاملات متعددی با کنترل ریسک صورت گیرد که این آنی داشته باشد. 2) مخاطره بذیرفته شده در هر معامله بسیار محدود و تعريف شده است و در عوض در انتظار راه اندازی از ارزش استراتژی به قواعد معامله بر می کردد و نیمی با اهمیت در ارائه آن. از مدیریت سرمایه هوشمندانه ناشر می شود.

5- استراتژی افول خالص

همه دوست دارند قیمت گذشته باشند که دقیقاً نقاط کف و سقف قیمت یک چگونه ارز را گرفته است. صرف نظر از گزاره گوئی، آیا فروش مکرر در یک سقف جدید به امید اینکه این سقف آخرین سقف در یک روند صعودی باشد. کار جالبی است؟ به تحقیق جواب "خرس" است. یکی از بزرگترین اشتباهات معامله گران مبتدی گرفتن کف ها و سقف های قیمت بهطور احساسی و بدون تائید انديکاتور ها یا انواع ديگري از تایید تکنیکی است. استراتژی افول خالص یک استراتژی کوتاه مدت برای تشخيص نقاط سقف و کف قیمت برای استفاده از حركت اصلاحی پس از یک حركت جهت دار مفرط است.

این استراتژی در پی تشخيص حرکات اصلاحی کوتاه مدت بر اساس یک دسته سه تایی از انديکاتور RSI را که از مجموعه و یک انديکاتور در چارچوب زمانی یک ساعته است. وقتی انديکاتور در حالت خريد هیجانی (بیش از 70) یا فروش هیجانی (کمتر از 30) قرار داشته باشد، هشداری است که احتمال حركت اصلاحی را گوشدیده می کند. ولی ماه طول که تا کی را بر RSI و به امید حركت اصلاحی اقدام به معامله نمی کنیم، بلکه با اضافه کردن یک دسته سه تایی از پاند های بالینجر سعی می کنیم نقطه خستگی روند و در نتیجه حركت اصلاحی را یابیم. استفاده از پاند های بالینجر بدين
منظور است که این باند ها می توانند نهایت حرکت قیمت را که پس از آن احتمال حرکت اصلاحی وجود دارد. اندیشه گیری نمایند.

باند های بالینجر توسط ژان بالینجر در دهه 1980 معرفی شد. تنظیمات استاندارد این اندازه‌گیری میانگین تحرک ۲۰ دوره ای و انحراف معیار یا SD دو برابر است. در استراتژی اولیه استفاده از این باند ها، با برخورد به باند ها و برگشت اقدام به معامله در جهت منحنی میانگین تحرک می شد. چون در ۹۵٪ موارد قیمت تمایل دارد که به درون باند برگردد. در استراتژی اول فاصله ما سه برابر انحراف معیار را هم به نمودار افزوده ایم. وقتی قیمت به باند سوم در هر طرف برخورد کند، در می یابیم که این حرکت جزء ۵٪ حرکت های اقلیت است. بنابراین آنرا یک حرکت مفرط تلقی می کنیم. وقتی قیمت به محدوده ما بین ۱ تا ۲ برابر انحراف معیار باز می گردد، در می یابیم که حرکت قیمت حالت مفرط خود را از دست داده و در حال ورود به فاز اصلاحی است. در نهایت بدبندی آن هستیم که یک کندل قیمت بین دو باند یک برابر و دو برابر بسته شود. این حالت به می اطمینان می دهد که روند قوی به انتقال خود رسیده و انرژی آن تخلیه شده است. این استراتژی یک استراتژی کم ریسک و کم سود است و برای معامله گرانی مناسب است که به دنبال سود های اندک و لی مطمئن هستند.

ما استفاده از این استراتژی را فقط برای تجارب زمانی یک ساعت و با قواعد زیر توصیه می نماییم:

قوانید ورود به معامله خرید:

1) صبر کنید تا RSI کمتر از ۳۰ شود.

2) قیمت را تعقیب کنید تا به باند بالینجر سه برابر یا پایین ترین باند برخورد کند.

3) صبر کنید تا قیمت از دامنه بین باند های سه برابر و دو برابر انحراف معیار به دامنه بین باند های یک برابر و یک برابر بزرگ شود.

4) با بسته شدن یک کندل در دامنه بین باند های یک برابر و دو برابر انحراف معیار، به معامله خرید وارد شوید.

5) حد زیان را در یک نقطه کف مناسب که کمتر از ۱۰ پیب فاصله نداشته باشد، قرار دهید.

6) هدف قیمت نیمه اول معامله را برابر مخاطره به ترتیب تعیین شده قرار دهید و یا برخورد به این هدف، حد توقف نیمه دوم را به نقطه ورود منتقل نمایید.
7) با برخورد قیمت به باند دو برای انحراف معیار بالاتری از نیمه دوم معامله نیز خارج شود.

قواعد ورود به معامله فروش:

1) صبر کنید تا RSI بیش از 70 شود.
2) قیمت را تعقیب کنید تا به باند بالینجر سه برابر یا بالاترین باند برخورد کند.
3) صبر کنید تا قیمت از دامنه بین باند های سه برابر و دو برای انحراف معیار به دامنه بین باند های دو برابر و یک برابر وارد شود.
4) با بسته شدن یک کندل در دامنه بین باند های یک برابر و دو برابر انحراف معیار، به معامله فروش وارد شوید.
5) حد زیان را در یک نقطه سقف مناسب که کمتر از ۱۰۰پپ فاصله نداشت باشد، قرار دهید.
6) هدف قیمت نیمه اول معامله را برای مخاطره پذیرفته شده قرار دهید و با برخورد به این هدف، حد توقف نیمه دوم را به نقطه ورود منتقل نمایید.
7) با برخورد قیمت به باند دو برای انحراف معیار پانزده از نیمه دوم معامله نیز خارج شوید.
اولین مثال مربوط به EUR/USD از تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۶ است. این جفت از یک ارز آغاز بازار لندن شروع به کاهش کرد و در حدود ساعت ۶ صبح به‌کمتر از ۳۰ کاهش یافت. RSI به‌کمک باند سه برابر انحراف معیار برخورد نموده و در حال حرکت بین دو باند دو برابر و سه برابر انحراف معیار است. در اینجا به دقت در انتظار بسته شدن یک کندل بین دو باند دو برابر و سه برابر انحراف معیار مانندیم تا با مشاهده آن وارد معامله خرید شویم. شرایط ورود به معامله خرید در ساعت ۹ صبح حاصل شد و ما در قیمت ۱.۱۹۰۶ به معامله خرید وارد شدیم. حد زیان در نقطه کف ۱.۸۶۲ قرار داده شد و هدف قیمت‌ی نیمه اول معامله ۲۱ نیمه از قیمت ورود به نقطه ۱.۹۰۶ بود. بعد از این پیش‌بینی قیمتی بدست آمده و حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود متنقل کردم. برای بستن نیمه دوم معامله به انتظار مانند نیمه قیمت دومین باند
بالینجر را در طرف مقابل قطع نماید. این شرایط در قیمت 1.1939 حاصل شد و با استحکام شد.

نیمه دوم معامله، سود نهایی 38 پیپ در نتیجه این دو معامله بدست آمد.

**Setup 5 - Pure Fade, NZD/USD**

![Chart](image)

*Figure 5 - 2*

دومین مثال جفت ارز NZD/USD را در تاریخ 26 فوریه 2006 نشان می‌دهد. نظیر مثال قبلی، این جفت ارز تا قبل از باز شدن بازار نیوزلند و انتشار اخبار اقتصادی مربوطه در یک دامنه معامله به شده است. کاربرد استراتژی افول خالص با سقوط RSI به کمتر از 30 در ساعت 6 بعد از ظهیر آغاز می‌گردد که در این حالت قیمت به سرمایه‌داران بالینجر برخورد نموده است. سپس در انتظار می‌مانیم تا قیمت سرمایه‌دار های دوم و اول حرکت نموده و یک کندل بین این دو باند بشه شود. این شرایط در ساعت 9 بعد از ظهیر پدید آمد. بنابراین ما با شروع کندل بعدی در قیمت 0.6583 وارد معامله خرید شدم. حد زیان معامله را در یک کف مناسب یعنی 0.6588 با پذیرش مخاطره 15 پیپ قرار دادیم. این مخاطره سیاسی اندک بود و باعث شد که هدف اول قیمت در قیمت کاملاً قابل دسترس 0.6598 قرار داده شود. این هدف قیمت در ساعت 8 صبح روز بعد

به زبان انگلیسی:

Setup 5 - Pure Fade, NZD/USD

*Figure 5 - 2*

In the case of NZD/USD pair on February 26, 2006, a second example is provided. Similar to the previous example, this pair reached a level before the market opened in New Zealand and released economic news. The RSI fell below 30 at hour 6 after the afternoon. We were prepared to enter the trade, but the price dropped to 0.6583 and we entered the trade at that level. The risk was 15 pips, which was not a significant risk. The first target was reached at 0.6598 at 8 AM the next day.
بنابراین مثلاً از فروش نمودار USD/JPY را از تاریخ 10 مارس 2006 مشاهده می‌کنیم. در آستانه گشایش بازار های مالی آمریکا، مشاهده کردیم که این جفت ارز در یک دامنه بسیار محدود معامله می‌شود. مدت کوتاهی پس از ساعت 8:30 صبح قیمت صعود نمود و به RSI محدوده بیش از 70 وارد شد که نشانه‌ای از وضعیت خریدهای احتمالی است. در همان زمان قیمت با سومین باند بالینجیر نیز برخورد می‌کند و اکنون ماه در انتظار حركت قیمت به محدوده بین باند دوم و اول هستم. سه ساعت بعد یک کندهل قیمت بین دو باند اول و دوم بسته شد و می‌باشد. شروع کندهل بعدی وارد معامله فروش در قیمت 119.03 شد. حد زمان در یک سقف مناسب یعنی 119.13 قرار داده شد که تا 10 بیب مخاطره برای ما به همراه داشت و در نتیجه هدف.
اول قیمتی در قیمت 118.07 تنظیم شد. این هدف قیمتی در ساعت 3 بعد از ظهر حاصل گردید و با بسته شدن نیمه اول معامله، حد توقف نیمه دوم به قیمت ورود منتقل گردید. برای بستن نیمه دوم معامله منتظر می‌مانم تا قیمت به باند بالینجر دوم در سمت پایین برخورد نماید. این شرایط ساعت 4 صح روز بعد در قیمت 118.80 حاصل شد و در نهایت سود 16.5 پیپ از این معامله حاصل گردید. قبل از این‌که قیمت بخواهد مجددًا افزایش یابد، همانطور که مشاهده می‌کنید، استراتژی اول خالص سود های کوچکی پس از تخلیه انرژی روند بدست می‌آورد. توجه داشته باشید که در بسیاری از موارد روند پس از برخورد به دومین باند بالینجر در حیط مقابلی به حرکت خود در جهت اولیه ادامه می‌دهد.

Setup 5 - Pure Fade, GBP/USD

Figure 5 - 4

نمودار قیمت فوق مثال دیگری از استراتژی اول خالص را نشان می‌دهد. در 16 مارس 2006، مشاهده کردیم که قیمت در آستانه اعلام شاخص قیمت مصرف کنندگان دش منجمد در یک دامنه محدود معامله می‌شود. در پی انتشار ضعیف تر از حد انتظار این شاخص در ساعت
8:30 بیان. قیمت طی 7 ساعت بعدی صعود کرد و اندازه‌گیری RSı به محدوده بیش از 70 وارد گردید. در هنگام زمان قیمت نیز به سومین باند بالینج برخورد نمود و پس از آن ما منتظر مشاهده شرایط معامله فروش شدیم. در ساعت 4 بعد از ظهیر قیمت بین باند های دوم و اول بسته شد و سیگنال فروش صادر گردید. با آغاز کندل بعدی یعنی در قیمت 1.7569 معامله فروش انجام و حد زمان در قیمت 1.7594 قرار داده شد که مخاطره ای 25 پیپ به همراه داشت. هدف اول قیمی نیز 25 پیپ بانی از نقطه ورود یعنی 1.7544 محاسبه گردید که در ساعت 10 بعد از ظهیر بدست آمد. سپس ضمن انتقال از نقطه ورود، به انتظار همینی تا نیمه دوم معامله با برخورد به باند دوم بانه بسته شود. این شرایط رووز بعد و در قیمت 1.7525 بدست آمد و 33.5 پیپ از اول معامله حاصل گردید. شاید بگوئید که "اوه بستن زمینه به دوم در ساعت 3 صبح بوده است. زمانی که من خواب بوده ام!" کاملا قابل درک است که شما نتوانید ساعت ها یا بسته مانند به انتظار حصول شرایط بسته معامله خود بمانید. بنابراین نیاز به یک هدف قیمی تا ناب خواهید داشت. دو برای مقدار مخاطره پذیرفته شده مقدار مناسبی برای این منظور است که در این مثال برابر 1.7519 بوده است.
بنابراین مثال را به معاامله ای اختصاص داده ایم که با سود ختم نشده است. نمودار فوق قیمت GBP/JPY را از تاریخ 14 فوریه 2006 نشان می‌دهد. در ساعت 7 بعد از ظهر یعنی در ساعت شروع به کار بزار آسیا، قیمت شکست محدوده فشرده سعی دارد خود را آغاز نموده. قیمت به محدوده فروش هیجانی کمتر از 30 وارد شد و به سومین باند پایینی نیز برخورد کرد. پس از آن ما در انتظار مشاهده شرایط ورود به معامله خرید ماندیم. ما چهار ساعت صبر کردنیم تو اکنون کندل بین باند های دوم و اول بسته شود با باز شدن کندل بعدی وارد معامله خرید شویم. قیمت ورود ما 204.56 بود. حد زیان را در یک کف مناسب یعنی 204.34 قرا دادیم که نشان دهنده پذیرش مخاطره 18 پیپ بود. بر اساس قواعد هدف اول قیمتی را در فاصله ای برابر با مخاطره پذیرفته شده یعنی 204.70 قرار دادیم و لی قیمت نتوانست افزایش یابد و به روند کاهشی
سومین جایگاه قیمت و قیمت‌گذاری داده می‌شود و در نهایت به حد زیان برخورد نمود. ولی این زیان چندان زیاد نبود که

پیمان یک حساب معاملاتی را با تهدید مواجه نماید.

6-استراتژی حافظه قیمت

هیچ چیز ناگواری از این نیست که حد زیان یک معامله دقیقاً در یک نقطه مقیمت بخورد و پس از آن قیمت برگردد و حتی در مسیر سود آن معامله حركت کند. همه معامله گران ارز این احساس ناگواری را حداکلی چند بار تجربه کرده اند. ما این استراتژی را برای استفاده از اینگونه حفاید راه ای قیمت طراحی کرده ایم. در این، استراتژی برای استفاده از این حرکات برگشتی بطور حساب به شاوه ای به حجم معامله افزوده می‌شود.

استراتژی حافظه قیمت برای معامله گرانی مناسب است که از برخورد به حد زیان پیزارند و علاقه‌مند هستند که از افزودن یا از معامله خود به سوده‌ریزند اندک دست پیدا کنند. استفاده‌کننده از این استراتژی دارای توجه داشته باشند که هر چند تعداد برخورد به حد زیان در این استراتژی به‌طور کمتر است. ولی مقدار حد زیان ممکن است بسیار زیاد باشد. بنابراین احترام به حد زیان در این استراتژی بسیار مهم است. چرا که در صورت برخورد به یک حرکت قوی در جهت مخالف معامله، ممکن است زیان‌ها تا آن‌جا به‌زیرگ شود که کل حساب را به مخاطره افکند.

این استراتژی برای فرض استوار است که نقاط حمايت و مقاومت کف‌یا سقف دو گانه حتی پس از شکسته شدن نیز تأثیر خاصی بر حرکات قیمت اعمال می‌کند. در واقع این تراز ها مثل مغناطیسی عمل می‌کند که قیمت را پس از زدن حد زیان ها به سمت خود می‌کشند. این استراتژی برای فرض استوار است که در تراز های تشکیل سقف یا کف دو گانه ببانسی معاملاتی قوی‌ای وجود دارد که حتی پس از شکسته شدن نیز قیمت را به سوی خود می‌کشند. شکست یک سقف دو گانه به این معنی است که به نهایا خریداران با دنیا آن‌قدر قوی‌تر باشند که به مقاومت آن غلبه کنند. بلکه بتوانند مومنتوم اضافی برای حركت صعودی بعدی نیز به بازار تزریق کنند. این اتفاق در زمانی روی می‌دهد که عمله ارزه‌ز قیمت برای غلبه بر سقف دو قلطي صرف شده است.

در حالی که در برخورد قیمت با سقف اول چنین حالتی وجود ندارد.

چگونه در این استراتژی ریسک را تعیین می‌کنیم؟ مثلاً یک دیدگاه منتقل‌ن استفاده می‌نماید.

دامنه برگشت از یک سقف دو گانه را تعیین می‌کنیم و آن‌ها به نقطه سقف می‌افزاییم تا محدوده مقاومت به دست آید. در شکل 1 این مفهوم دقیقاً توضیح داده شده است.
قد ورود به معامله فروش:

1. تک روند صعودی که در آن هر حداقل بیش از حداقل قبلی باشد، باید.
2. در نمودار روزانه، با ساعت بندنال تک حرکت بازگشتی باشد.
مطمئن شوید که این بازگشت حداقل ۳۸.۲٪ حركت اصلی را شامل شود.

وقتی قیمت صعود کرد و به قیمت سقف قبیل رسید یک نیمه از معامله فروش را انجام دهید.

مقدار بازگشت را اندامه بگیرید.

حد زیان خود را در فاصله برای مقدار بازگشت قرار دهید.

حد سود این نیمه معامله را ۵۰٪ مقدار بازگشت اندامه گیری شده قرار دهید.

اگر قیمت در جهت زیان شما حركت کرد، با طی شدن نیمی از حد زیان وارد نیمه دوم معامله فروش شوید.

حد زیان معامله دوم را در همان مقدار حد زیان معامله اول قرار دهید.

۱۰) هر گاه معامله اول به نقطه سر به سر رسید، معامله دوم را با سود بیندید، حد زیان معامله اول را به نقطه سر به سر مجموع معامله منتقل کنید و به انتظار رسیدن به هدف قیمتی معامله اول بمانید.

قواعد ورود به معامله خرید:

۱) یک روند نزولی که در آن هرقاً حداکثر کمتر از حداکثر قبیل باشد، باید.

۲) در نمودار روزانه یا ساعتی بدنبال یک حركت بازگشتی باشد.

۳) مطمئن شوید که این بازگشت حداقل ۳۸.۲٪ حركت اصلی را شامل شود.

وقتی قیمت نزول کرد و به قیمت کف قبیل رسید یک نیمه از معامله خرید را انجام دهید.

مقدار بازگشت را اندامه بگیرید.

حد زیان خود را در فاصله برای مقدار بازگشت قرار دهید.

حد سود این نیمه معامله را ۵۰٪ مقدار بازگشت اندامه گیری شده قرار دهید.

اگر قیمت در جهت زیان شما حركت کرد، با طی شدن نیمی از حد زیان وارد نیمه دوم معامله خرید شوید.

حد زیان معامله دوم را در همان مقدار حد زیان معامله اول قرار دهید.

۱۰) هر گاه معامله اول به نقطه سر به سر رسید، معامله دوم را با سود بیندید، حد زیان معامله اول را به نقطه سر به سر مجموع معامله منتقل کنید و به انتظار رسیدن به هدف قیمتی معامله اول بمانید.
Setup 6 - The Memory of Price, GBP/USD

Figure 6 - 2

در مثال اول معامله خرید جفت ارز GBP/USD را در چارچوب زمانی روزانه از تاریخ 12 نوامبر 2005 بررسی می‌کنیم. توجه داشته باشید که قیمت قبل از این نمودار وضعیت صعودی داشته و سپس شروع به کاهش نموده است. بر اساس قواعد گفته شده، با تشکیل کف دوگانه در قیمت 1.7386 وارد یک نیمه از معامله خرید شده ایم. بدیل روزانه بودن نمودار حد زیان این معامله مقداری به بزرگی بیش از 500 پیپ بوده است (دقيقة 521 پیپ). بزودی مشخص می‌شود که چرا چنین حد زیان بزرگی مورد نیاز است. در یک حساب فرضی 10000 دلاری هر گرایی پیش از دو میلیون دلاری باز می‌گردد. در این صورت نیز معامله سخت از حد مجاز 2% در هر معامله که پیشنهاد ارائه می‌گردد. پیشنهاد خواهد بود و در مجموع دو معامله به بیش از 7.5% رسید. ولی احتمال بالای موفقیت در این استراتژی به ما اجازه می‌دهد که در مورد ریسک کمتر سخت گیری کردن به هر صورت در نمودار روزانه با چنین شرایطی هر گز
نباید از اهرم بیش از ۲ برابر در معاملات استفاده نمود که در یک حساب ۱۰۰۰۰ دلاری برابر ۲۰۰۰۰ دلار یا ۲ مینی لات است. با ورود ما به معامله خرید در قیمت ۱.۷۳۸۶، این تراز حمایت شکسته شد و قیمت باز هم کاهش یافت. بنابراین ما بر اساس قواعد، معامله خرید دیگری در قیمت ۱.۷۱۲۶ به معامله اولی افزودیم. یعنی در نیمه راه حداً زیان در قیمت ۱.۶۸۶۵. حال دو نیمه معامله ما کامل شده است و در انتظار ادامه حرکت قیمت می‌مانیم. پس از نوسانات متعدد نهایتاً قیمت نتوانست به سمت حد زیان ما حرکت کند و در نتیجه ما معامله دوم را که در قیمت ۱.۷۱۲۶ باز کرده بودیم در قیمت ۱.۷۳۸۶ بستیم. یعنی همان نقطه ای که معامله اول را بز کرده بودیم. از این نیمه معامله ۲۶۰ پیپ سود حاصل گردید. در اینجا حداً زیان نیمه اول معامله را به ۱.۷۱۲۶ منتقل کرده؛ با مطمئن شویم که مجموع دو معامله به زیان وارد نمی‌شود. به‌هرحال در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۵ نیمه اول معامله به حداً سود خود در قیمت ۱.۷۶۴۶ برخوردار کرده و در مجموع ۵۲۱ پیپ سود حاصل گردید. بنابراین حرکتی که در اکثر استراتژی‌های معاملاتی منجر به زیان می‌شود (بدلیل شکسته شدن حمایت)، در این استراتژی منجر به سودی قابل توجه گردید.
در مثال بعدی کاربرد این استراتژی در چارچوب زمانی کوتاه تر یک ساعت را مشاهده می‌کنیم. در این مثال، جفت ارز GBP/USD یک حرکت 177 پیپ در جهت خلاف روند صعودی خود انجام داده است. عینی از 1.7490 تا 1.7313. این حرکت تقاضا از 9 صبح 29 مارس 2006 شروع شده و 1 ساعت بعد از ظهر روز بعد ادامه یافته است. با رسمی قیمت به 1.7313 ما یک معامله خرید با حد زیان 177 پیپ انجام دادیم. قیمت از این حدود کاهش قابل توجهی نیافت و صعود کرد. بنابراین کار به نیمه دوم معامله تکشید. حد سود این معامله برابر 50٪ مخاطره بذرفته شده تعيین گردید که ساعت 8 بعد از ظهر روز سوم آوریل 2006 در قیمت 1.7402 محقق شد. این معامله چهار روز بطول انجامید. بدون اینکه به مقدار قابل توجهی در زیان فرو رود و سود قابل اطمینانی از آن حاصل گردید. همچنان توجه کنید که مخاطره استفاده از این استراتژی در چارچوب های زمانی کوتاه تر، بسیار کمتر از چارچوب زمانی روزانه است. حد زیان در این مثال 177 پیپ بوید در حالی که در مثال قبلی 521 پیپ بوید است.
Setup 6 - The Memory of Price, EUR/USD

Figure 6 - 4

苯ملی از معامله فروش را در نمودار یک ساعتی بررسی می‌کنیم. در این مثال یک حرکت بازگشتی طی اوائل سال 2006 از 1.2181 تا 1.2004 انجام شده است. سپس قیمت مجدد در تاریخ 23 ژانویه 2006 به تراز 1.2181 دست یافته و همیشه از معامله فروش خود را در این قیمت با حد زیان 12358 انجام داده و قیمت باز هم بالاتر رفته و همیشه دوم معامله فروش در قیمت 1.2278 انجام گرفت. پس از آن قیمت باز هم بالاتر رفته و در توانسته به حد زیان ما برخورد نمایید و کاهش ییدا کرد. با برگشت قیمت به 1.2181 نمایه دوم معامله را بسته و حد زیان نمایید دیگر را به نقطه سر به سر مجموع دو معامله منتقل نمودیم. قیمت باز هم کاهش یافته و ما توانسته از نمایه اول معامله زیت در قیمت 1.2092 پا سود مورد نظر خود خارج شویم.
مثالی دیگر از فروش جفت ارز USD/JPY در چارچوب زمانی ساعتی را مشاهده می کنیم. قیمت یک حرکت بازگشتی را از ساعت 8 صبح 29 مارس 2006 تا 8 صبح 30 مارس 2006 انجام داده است. دامنه این حرکت از 118.22 تا 117.08 یعنی 116 پی بوده است. با صعود مجدد قیمت و رسیدن به قیمت 118.22 در تاریخ 3 آوریل 2006 وارد معامله فروشی با حد زبان در قیمت 119.36 شدیم و با افزایش مجدد قیمت در نقطه 118.78 نیم دوم معامله فروش خود را با همان حد زبان انجام دادیم. صعود قیمت چندان آرام نیفت و ما توانستیم نیم هم دوم معامله فروش را ساعت 10 صبح روز بعد در قیمت 118.22 بندیم و حدود 10 ساعت بعد در ساعت 8 نیمه اول معامله را نیز با سود مورد نظر پایان دادیم.

این مثال بار دیگر مقدارت این استراتژی را در چارچوب های زمانی کوتاهتر نشان داد. توجه کنید که چگونه یک معامله گر چالاک می تواند با مخاطره نه چندان زیاد در چارچوب های زمانی کوتاه از
حرکات بانکار سودپر. واضح است که این استراتژی در بازار های دامنه ای دارای پیش‌رین
کاربرد است. شرایطی که اغلب در بازار فارکس وجود دارد.
حال به مثالی از شکست این استراتژی می‌پردازیم.

Setup 6 - The Memory of Price, USD/JPY

زمردن این خطر برای این استراتژی، بازار یک طرفه ای است که بی‌گزشتی در آن وجود داشته باشد. به همین دلیل است که قرار دادن جد زیان بر اساس قواعد در این استراتژی بسیار مهم است. چرا که فقط یک روند قوی بدون بی‌گزشتی می‌تواند کل حساب معاملاتی را از میان ببرد. این مثال نشان می‌دهد که روند صعودی جفت ارز USD/JPY در ربع چهارم سال 2005، چنان مومنتوم قوی ای داشت که فروشگان هیچگاه نمی‌توانستند زیان‌های خود را جبران نمایند. در 20 سپتامبر 2005 با تشکیل یک سقف دو قلو اقدام به انجام نمی‌نمایند. در نمودی هفت روز بعد در 27 سپتامبر 2005 نمی‌دوم معامله فروش در قیمت 111.78 انجام

![Figure 6 - 6](image)
شده. متاسفانه قیمت در روند صعودی خود هیچ توقفی نداشت و حد زمان هر دو نیمه معامله در تاریخ 14 اکتبر 2005 و قیمت 114.88 خورد و مجموعا 465 بیب زیان به بار آورد.

روایتی دیگر از استراتژی حافظه قیمت

یکی از انطباعاتی که منتقدان این استراتژی مطرح می کنند نسبت مخاطره به سود پایین آن است. محاسبه می شود که در یک بیان قبلی حالت این استراتژی یک واحد سود در برابر 1.5 واحد مخاطره ایجاد می نماید. بنابراین نمونه ای که در همان متن قابلیت با خوردن حد زیان 465 بیب زیان دیدی آمد در حالت که اگر هر دو نیمه معامله با سود بسته می شدند، تنها 310 بیب سود حاصل می شد.

استراتژی حافظه قیمت سود آور است چون احتمال موقعیت در آن بسیار بالاتر از شکست است.

این استراتژی در 70٪ مواقع موفق عمل کرده است.

ولی معامله گرانی که از این نسبت مخاطره به سود ناراضی اند می توانند از روایت دیگری از این استراتژی استفاده نمایند. این روایت موضعی های معاملاتی کمتری پیدا می آورد و ممکن است صحت کمتری داشته باشد. ولی نسبت مخاطره به سود آن مناسبتر است و ورود به معامله فقط در یک مرحله انجام می شود.

قواعد این روایت از حافظه قیمت به شرح زیر هستند:

قواعد ورود به معامله خرید

1) در نمودار روزانه یا ساعتی یک پاک گشته قیمت در حركت نزولی باید.
2) دامنه این پاک گشته را یاد بپذیرد. این دامنه نباید کمتر از 38.2٪ حركت اصلی باشد.
3) این دامنه را از نقطه کف کم کنید و از آن به علیه حد زمان استفاده نمایید.
4) وقتی قیمت مجددا نزول کرد و تا حد یک سوم این دامنه از نقطه کف گذشت وارد هر دو نیمه معامله خرید شود. (علاقه مندند فیبوناچی می توانند از نسبت 38.2٪ استفاده کنند)
5) برای نیمه اول 50٪ دامنه را به علیه حد سود تعبیه کنید.
6) با باشند معامله اول با سود. حد توقف معامله دوم را به نقطه ورود منزیل نمایید.
7) حد سود نیمه دوم معامله را برای 100٪ دامنه تنظیم نمایید.
قوانین و روش‌های هنگام دروست کردن قیمت در حرفه صعودی بیایید.

1. در نمودار روزانه یا ساعتی یک بازگشت قیمت در حرفه صعودی بیایید.
2. دانهای این بار بانک را برای 35% از حرفه اصلی باشد.
3. این دانهای را از نقطه سقف کم کنید و از آن به عنوان حد زیان استفاده نمایید.
4. وقتی قیمت مجدداً صعود کرد و تا حد یک سوم این دانهای از نقطه سقف گذشت وارد هر دو نیمه معامله فروش شوید. (علاقه مندی در قیمت می‌تواند از نسبت 38.2٪ استفاده کنند)
5. برای نیمه اول 50٪ دانه را به عنوان حد سود تعیین کنید.
6. با بسته شدن معامله اول با سود، حد توقف معامله دوم را به نقطه ورود منتقل نمایید.
7. حد سود نیمه دوم معامله را برای 100٪ دانه تنظیم نمایید.

مزیت این روایت از استراتژی نسبت مخاطره به سود 1.15:1 آن است. برای سهولت محاسبات می‌توانید از مثالی با حد زیان 100 پپ استفاده نمایید. ورود در قیمت 33 پپ بالاتر از یک نقطه سقف انجام می‌شود با حد زیان 67 پپ. حد سود نیمه اول معامله 50 پپ و حد سود نیمه دوم 100 پپ است. بعنوان نیمه دو نیمه معامله 150 پپ و مخاطره پذیرفته شده 134 پپ است که نسبت مخاطره به سود 1.15:1 را به دست می‌دهد. بعنوان اگر این استراتژی در 50٪ موارد موفق باشد، سود آور خواهد بود.

مثالی از این روایت را در ادامه پی می‌گیریم:
در 29 مارس 2006 یک حرکت بازگشتی در قیمت جفت ارز EUR/USD از قیمت 1.2105 تا 1.1979 را شاهد بودیم. علی 126 پیپ با صعود مجدد بر اساس قواعد، ما در قیمت 1.2148 در 10 صبح 30 مارس 2006 اقدام به فروش نمودیم. قیمت کمی در جهت زبان ما حرکت کرد ولی نهایتاً کاهش یافت و در ساعت 1 صبح 1 آوریل 2006 اولین هدف قیمتی ما در 1.2086 حاصل گردید. در اینجا با بسته شدن هدف اوّل معامله، حد توقف نیمه دوم معامله را به قیمت ورود منتقل کردیم. نیمه دوم معامله با برخورد به حد توقف در نقطه ورود بسته شد. این وضعیت کاملاً منطبق با استراتژی ما است که هر گز اجازه نمی‌دهیم یک معامله سود آور به معامله ای زیان ده تبدیل شود.
Setup 6 - The Memory of Price, GBP/USD

Figure 6 - 8

آخرین مثل معامله خرید بر اساس این روایت را نشان می‌دهد. در 3 مارس 2006 یک حرکت بازگشتی قوی در GBP/USD از 1.7314 تا 1.7482 را شاهد بودیم. بنابراین با کاهش مجدد و در یک سوم مسری به سمت حد زیان تعیین شده. در قیمت 1.7258 اقدام به خرید نمودیم. حد زیان در قیمت 1.7145 عیً 165 پیپ پایین تر از کف دو گانه قرار داده شد. قیمت قدری پایین تر رفت ولی مجدداً سعود خود را آغاز نمود. نیمه اول معامله در قیمت 1.7342 در تاریخ 3 آوریل 2006 به حد سعود خود بروخورد کرد و بسته شد. نیمه دوم معامله نیز بعداً در 1.7426 به حد سعود بروخورد کرد و 252 پیپ سعود بدست آمد.
به عنوان یک نبی‌بوزیکی، عادت داریم که نسبت به همه چیز کنسکافو و پرسش‌گر باشیم، اگر ناشناخته که در مسیر مترو پشت سر ما حركت می‌کند سلام یکوید. می‌خورا، می‌خوریم و اگر توریست باشد متعجب خواهیم شد. اگر چه خوششند که به طرفی‌ها در شرکت‌های کوچک متدام تر است.

شخصیت شکاک در بسیاری از معامله‌گران وجود دارد. بدون توجه به ایبکه در کجا زندگی کنند هم‌ماندگی که در استراتژی افق خالص گفته شد، تلاش برای گرفتن سقف و کف قیمت در بین معامله‌گران منفرد بسیار متدام است. هم‌ماندگی که کفتین این تلاش بدون تایید تکنیکی یکی از بدتین روش‌های معامله است. با این حال براوا باشکنوتی به طبعیت ناسازگار آدمی، در اینجا یک استراتژی برای گرفتن کف و سقف قیمت بدون تایید تکنیکی و اندیکاتورها را معرفی می‌کنیم.

میدانیم که اندیکاتورها توابعی ریاضی از قیمت هستند که با دیدگاه‌ها و فرمولی‌های مختلف محاسبه می‌شوند. بس چرا به خود قیمت توجه کنیم؟ استراتژی افق پس از هفته روز بر این اصل استوار است که قیمت پس از طبیعی یک روز قطعی هفته روز، به بایگان گست تماشا دارد. صرا پس از هفته روز؟ این عدد از مشاهدات ما در حرکات روزهای قیمت منحنی شده است. اغلب مواقع روند های قوی در اوایل هفته شخص می‌گیرند و اگر به انداده کافی قوی باشد می‌توانند هفته روز بدون حرکت بازگشته ادامه یابند.

به هر حال، بس از یک حرکت قوی هفته روزه (که تقسیب یک هفته و نیم را در بر می‌گیرد) قیمت نیاز به استراحت پیدا می‌کند. بطور کلی افراد مایل اند که در گروه های هفته نفره به تفکر بپردازند. بر اساس مستندات روانشناسی معتقدان انسان تماشا دارد چیزی گاهی با مفاهیم را در گروه‌های هفته نیازی یک دیگر نگذارد. به همین دلیل است که شماره‌های تلفن در آمریکا فقط هفته رقیق است. البته بدون نظر گرفتن کد اگر چه ممکن است روند های قوی پس از پنج یا شش روز باید به کننده در بارگذی قیمت پس از هفته روز حکم بی وقفه دارای صحت بیشتری را باشد. گاه و یک گاه روندهای هفته روزه هم دیده می‌شود ولی بسیار نادر است. در اینجاکس که احتمالات اثر بخش خواهیم بود. اگر قیمت پس از پنج یا شش روز به یک تراز تکنیکی می‌برخورده کند، ایست قیمت بسیار محتمل خواهد بود. آن‌جا که درونه ما ورود به معاملاتی با احتمال موفقیت بالا می‌باشد. ترجیح می‌دهم که از دوره‌های هفته روزه استفاده کنیم. هر چند چنین موقعیت‌هایی کم پیش می‌آید. ولی نتایج آن بسیار قابل توجه است. ما سعی کرده‌ایم از این روش در نمودار یک ساعت تا هم استفاده کنیم ولی نتیجه مناسبی به دست نیامد و در بسیاری از
موراد روند برای ساعت هشتم هم به طول انجامید. ولی در نمودار روزانه یک روند بدون باز کشیده که هشتم روز به طول انجامیده باشد، به ندرت دیده می‌شود. یک شرط بسیار مهم در این استراتژی این است که هر هفت کندل روزانه صعودی باشد یا بالعکس. حتی اگر یکی از کندل‌ها خشک باشد باید شمارش را از ابتدا شروع کرد.

از آنجا که این استراتژی فقط بر قیمت استوار است، قواعد بسیار ساده ای دارد. اگر کندل هفت‌م بر یک تراز تکنیکی مهم نیز منطقی شود اعتبار این روش افزایش می‌یابد.

در نمودار روزانه:

**قواعد ورود به معامله خرید:**

1. به دنبال هفت کندل نزولی پشت سر هم در قیمت باشید (در هر کندل قیمت بسته شدن باید کمتر از قیمت پایانی قرار دهد).
2. با شروع کندل بعدی خرید کنید.
3. حد زیان را 10 یکم کمتر از آخرین کندل نزولی قرار دهید.
4. اولین هدف قیمتی را برای با مخاطره بذیرفته شده قرار دهید و نیمی از معامله را با برخورد به این هدف بپندید. سپس حد توقف نیمه دوم را به نقطه سر به سر منتقل نمایید.
5. حد سود معامله دوم را برای هدف معامله پذیرفته شده قرار دهید.

**قواعد ورود به معامله فروش:**

1. به دنبال هفت کندل صعودی پشت سر هم در قیمت باشید (در هر کندل قیمت بسته شدن باید بیش از قیمت پایانی قرار دهد).
2. با شروع کندل بعدی وارد معامله فروش شوید.
3. حد زیان را 10 یکم بیشتر از آخرین کندل صعودی قرار دهید.
4. اولین هدف قیمتی را برای با مخاطره بذیرفته شده قرار دهید و نیمی از معامله را با برخورد به این هدف بپندید. سپس حد توقف نیمه دوم را به نقطه سر به سر منتقل نمایید.
5. حد سود معامله دوم را برای هدف معامله پذیرفته شده قرار دهید.

به چنین مثال توجه فرمائید:
اوّلین مثال را در نمودار قیمت‌جویی ارز NZD/USD مشاهده نمایید. این جفت ارز روز 15 دسامبر 2005 حركت نزولی خود را آغاز نمود که دقیقاً هفت روز به طول انجامید. ما با باز شدن کندل روز هشت وارد معامله خرید در قیمت 0.6723 شدیم. حذف زیان این معامله در قیمت 0.6690 قرار داده شد که 10 پیپ باتین تر از حداقل قیمت کندل روز هفتم نزول بوده است. این حد زیان به معنی پذیرش 33 پیپ مخاطره در این معامله است. هدف اول خود را 33 پیپ از قیمت ورود یعنی 0.6756 قرار دادیم. در دومنی روز پایانی قیمت شروع شد و هدف اول ما محقق گردید و نیمه اول معامله با 33 پیپ سود بسته شد. حد زیان نیمه دوم معامله به نقطه سر به سر منتقل شد و هدف دوم قیمت سه برای مخاطره 33 پیپ یعنی در 0.6822 در نظر گرفته شد. این هدف قیمتی نیز در روز پنجم حاصل گردید و مجموعاً از این معامله 66 پیپ سود حاصل گردید. یعنی نسبت مخاطره به سود 2:1.
دور مثالی کاربرد این استراتژی را در جفت ارز EUR/USD در چارچوب زمانی کوتاه تر نشان می‌دهد. روند نزولی در ساعت هفته بعد از ظهیر روز دوم اوریل 2006 آغاز شد و همکاران با آغاز معاملات آسیا این روند نزولی طی ساعت هفتم ساعت متوالی، یعنی تقیبیا تمام زمان معاملاتی آسیا، به طور انجامید. با بسته شدن هفتمین کندل متوالی نزولی و پایان کندل هشتم، ما در قیمت 1.2047 وارد معامله خرید شدیم و حد زیان معامله در قیمت 2022.1 یعنی 10 پیپ کمتر از حداکثر کندل قبلی قرار داده شد. اولین هدف قیمتی 25 پیپ بیش از نقطه ورود در قیمت 2072 و دومین هدف قیمتی 75 پیپ بالاتر از نقطه ورود بینی 1.2122 قرار داده شد. هر دو هدف طی چند ساعت بعدی در زمان معاملات اروپا و آمریکا حاصل شد و 50 پیپ سود روز کل این معامله نصیب ما کرد.

یافتن مثالی‌هایی از ورود به معامله فروش آسانتر از معامله خرید است بخصوص در چارچوب های زمانی کوتاه تر. اگر روند های نزولی به جای هفت روز پنج به شش روز به طول می‌انجامند، این
Setup 7 - Seven-Day Extension Fade, USD/CHF

Figure 7 - 3

اولین مثال معامله فروش را در نمودار روزانه چند ارز USD/CHF مشاهده می‌نماید. می‌بینیم که از روز 28 ژانویه 2005 این چند ارز یک گروه صعودی را آغاز نموده است. این گروه به طور مستمر با تولیدهای بیش از حد افزایش قیمت باز شدند، به همین دلیل چند هفتم به قیمت 1.2243 وارد معامله شدند. این نتایج با این چکیده ایشان نمایش داده شد. این سود در همان روز تحقیق یافت که با استفاده از هدف اول معامله، حد زبان نیمه دوم معامله را به نقطه سر به سر و حد سود آن را به 1.2156.1 منتقل نمودیم. این حد سود سه برابر
Setup 7 - Seven-Day Extension Fade, GBP/USD

Figure 7 - 4

مثال بعدی استراتژی افول پس از هفت روز، یک مثال دوگانه است. این نمودار قیمت ساعتی را از 2 مارس تا 3 مارس 2006 نشان می دهد. اولین قسمت این مثال در سمت چپ نمودار دیده می شود. با باز شدن بازار آمریکا این جفت ارز شروع به صعود نموده و به مدت هفت ساعت به عنوان پایان ساعات معاملاتی آمریکا به طول انجامیده است. در ساعت 5 بعد از ظهر یعنی در شروع کندل هفتم در قیمت 1.7547 وارد معامله فروش شدیم. حد زایان این معامله 10 بیپ بیش از حداکثر کندل قبلی به عنوان در قیمت 1.7557 قرار داده شد. این مخاطره مقدار نسبتاً اندکی است. بنابراین اولین هدف قیمتی نیز در قیمت نزدیک 1.7537 و دومین هدف قیمتی در 1.7517 قرار گرفت. هدف اول در همان ساعت و هدف دوم سه ساعت بعد بدست آمد و از کل معامله 20 بیپ سود حاصل شد.
دومن مثال در سمت راست نمودار مشاهده می‌شود. قیمت پس از اعلام خبر پیتر از حد انتظار خدمات بریتانیا، شروع به صعود نموده است. این روند تا 10 صبح یعنی به مدت 7 ساعت متوالی ادامه یافت. ساعت 10 صبح باران آمریکا در انتظار اخبار شاخص اطلاعات مصرف کننده دانشگاه میشیگان و PMI این روند را تا 10 صبح یعنی به مدت 7 ساعت نموده شد. با توجه به این اخبار و بر اساس این استراتژی اقدام به فروش در 1.7584 نمودیم با حد زیان 1.7574 به همراه 1.7574 به سرعت حاصل شد و هدف دوم نیز در قیمت 1.7454 در همان ساعت بدست آمد. در هر دو این مثال‌ها به دلیل نزدیک بودن هدف قیمتی توانستیم از تمام حرکت بازگشتی استفاده کنیم و این حرکت در همان ساعت ادامه داشت است و در ساعات بعدی معکوس شده است.

**Setup 7 - Seven-Day Extension Fade, USD/CHF**

![Figure 7 - 5](image)

**Figure 7 - 5**
در نمودار بعدی نمونه ای از شکست این استراتژی در نمودار یک ساعت به سیاهه را مشاهده می‌نماییم.

همانطور که گفته‌ایم، اکثر معامله‌گران اینقدر حوصله ندارند که به انتظار شرایط معامله بر اساس استراتژی اولوس از هفت روز در نمودار روزانه پیش‌بینی‌ها و در نمودار ساعتی هم از این استراتژی استفاده می‌نمایند. مثال فوق کاربرد این استراتژی در نمودار ساعتی جفت آرژنل را نشان می‌دهد. در تاریخ 2 مارس 2006 مشاهده گردید که با باز شدن یارUSD/CHF آمریکا به سرعت شروع به کاهش نموده است. این نزول هفت ساعت به طول انجامید و با شروع کندل هشتم در قیمت 1.2991 با حد زیان ده پیپ کمری از حداکثر کندل قبلي یعنی 1.2974 وارد معامله خرید شدیم. متساوی‌نشدن بازار ادامه یافت و ما با 17 پیپ زیان از این معامله خارج شدیم. هر چند که این زیان قابل مدیریت بوده است، نشان می‌دهد که چگونه ممکن است روند قیمت برای کندل هشتم نیز ادامه داشته باشد. بنابراین مثالی از معامله کران محتاط شروع کنند نه‌ما برای ورود به معامله در نمودار ساعتی انتخاب می‌کنند.

مثال بعدی مربوط به نمودار یک ساعتی گرفته ارز است. پس از شمارش هفت کندل، مترصد ورود به معامله خرید در ابتدا کندل هشتم بودیم ولی با آغاز این کندل مشاهده کردیم که قیمت باز هم در حال پایین رفتن است و می‌خواهد یک کندل دیگر نیز به کاهش هر ادامه دهد. بنابراین به بازار وارد شدیم، اگر در این حالت قیمت تواند پنج پیپ از حداکثر کندل قبیلی فاصله داشته باشد، علایمی از قدرت قیمت برای بازگشت خواهد بود.

موضوع جالب در این استراتژی این است که در بسیاری از موارد سود هایی به سه از سه برابر مخاطره پذیرفته شده نیز قابل دسترس است. بنابراین می‌توان در مورد حد توقف کششی نیز بحث نمود. برای پیشه برداری بهتر و بازگشت قیمت می‌توان حد توقف کششی را در حداقل دو کندل قبل قرار داد و حد سود اگر بهداشت تا از بخش پیشتری از حرکت صعودی استفاده شود. همچنین اگر از این استراتژی در چارچوب زمانی روزانه استفاده کردیم، می‌توانید از نمودار ساعتی برای تعیین حد توقف کششی استفاده نمایید. این استراتژی بر این اساس استوار است که "هر فرآیند، فردی هم دارد". ما در انتظار تغییر انرژی قیمت ناشی از کسب سود معامله‌گران می‌مانیم که گاهی در پایان کندل بیش و بیش از آن در پایان کندل هفتم اتفاق می‌افتد. ولی به ندرت بیش از هشتم کندل به طول می‌انجامد. در واقع سوال این نیست که آیا این حالت اتفاق می‌افتد یا خیر بلهه این است که چه موقع اتفاق خواهد افتاد.
8- استراتژی بازگشت به روند

اکثر معامله گران لحظات سختی را در روند ها سپری می کنند. جلب است که بدانیم اکثر معامله گران دیدگاه اصلی معامله گری خود را تعقیب روند اعلام می کنند. ولی با بررسی معاملات تعداد زیادی از معامله گران خرده با مشاهده می کنیم که عکس این موضوع صحت دارد. با وجود اینکه جمله معروف «روند دوست شماست» بر زبان اکثر معامله گران چاری است. اکثر معامله گران به دنبال یافتن نقاط کف و سقف قیمت و معامله به امید بازگشت هستند تا اینکه واقعاً به دنبال تعقیب می روند باشند.

این استراتژی پاسخگوی خواسته اکثر معامله گران برای یافتن نقاط تغییر جهت روند است. یعنی خرید در کف و فروش در سقف. ولی در این استراتژی از چارچوبی کاری معامله بر اساس روند بهره گیری می شود. این استراتژی از چارچوب های زمانی چند گانه میانگین متحرک و باند های بالینجر برای تعیین نقطه ورود بهره می گیرد. ابتدا برای تشخیص روند دارندارودن جفت از مورد نظر، به نمودار روزانه تغییر می کنند. برای تشخیص روند در نمودار روزانه از یک میانگین متحرک ساده 20 روزه استفاده می کنیم. یک ماه شامل بیست روز معاملاتی است و به همین دلیل میانگین متحرک بیست روزه معیار مناسبی برای تشخیص روند است. اگر قیمت بالای میانگین متحرک حرکت کند، دارای روند مثبت و اگر قیمت بالای میانگین متحرک حرکت نماید، دارای روند منفی می باشد.

سبک برای تعیین نقاط ورود و خروج به چارچوب زمانی یک ساعت می رود. در استراتژی بازگشت به روند ما فقط در جهت روند اصلی معامله می کنیم. اگر در روند منفی قیمت در حالت فروش هیجانی قرار داشته باشد خرید می کنیم. و اگر در روند منفی قیمت در حالت خرید هیجانی قرار گیرد، اقدام به فروش می نماییم. چگونه شرایط خرید یا فروش هیجاتی را تشخیص دهیم؟ پاسخ استفاده از باند های بالینجر است. این باند ها می تواند در زمان تکراری یا حسینه شرایط خرید یا فروش هیجانی را قیمت را ارائه‌گر گیری کنیم. پاند های بالینجر قیمت‌های افراطی را با استفاده از انحراف معیار قیمت نسبت به میانگین متحرک 20 روزه اندام به گیری می نماید. در نمودار ساعتی ما با قرار دادن باندهای بالینجر دو برای انحراف معیار و باند های سه برای انحراف معیار روی نمودار یک کانال خواهیم داشت. در اکثر مواقع قیمت بین دو باند یک برای و دو برای انحراف معیار حرکت می کند.
چرا از تنظیم دو برابر و سه برابر باند های بالینجر استفاده می‌کنیم؟ در حالتی که قیمت معمول این باند های یک برابر و دو برابر حرفه می‌کند، چگونه مقادیر پیش گرفته گزیده باند های بالینجر برای کاربرد در چارچوب زمانی روزانه طراحی شده است؟ در چارچوب زمانی یک ساعت بهتر از حفره تجربه قیمت بیشتر است و ما ناچار هستیم برای تشخیص مناسبتر نقاط افرادی از باند های عرض نری استفاده نماییم؟ سیگنال های صحیح تری پیدا کنیم در موقعیت یک کامیاب چارچوب زمانی مورد بررسی باشد، یا هیچ یک استفاده گر باشد. در چارچوب زمانی پنج دقیقه یا از 3.5 تا 4 برای انحراف معیار بارا تنظیم باند های بالینجر استفاده نماید تا بتواند نقاط خرید با فروش هیجانی‌ی را به خوبی تشخیص دهد.

به استراتژی خود بر می‌گردد. پس از تشخیص جهت روند در چارچوب زمانی روزانه، برای مشاهده حرکات قیمت به چارچوب زمانی یک ساعتی باز می‌گردد. اگر روند قیمت در نمودار روزانه صعودی باشد، ما در نمودار یک ساعت به دنبال تغییر جهت قیمت از نزولی به صعودی خواهیم بود. تنها وقتی که قیمت بین دو باند دو برابر و سه برابر انحراف معیار جهت می‌کند ما کلار خواهیم نشست، چون هنوز مومنتوم قوی در جهت نزول وجود دارد. زبان‌یابی این استراتژی در این اصطلاح ما از حد زدن تغییر جهت قیمت به رهبردی می‌دارد و ترغیب می‌کند که به دنبال یک نابی‌کننده برای تشکیل نقطه سقف با کف باشیم. هرگاه یک کندر قیمت بالاتر از باند دو برابر انحراف معیار بسته شود، ما وارد بازار می‌شویم و حد زبان خود را 5 پیپ باتین تر از یک نقطه کف نسبی قرار می‌دهیم. برای نیمه اول معامله حد سود خود در بازار نیمی از مخاطره پذیرفته شده قرار می‌دهیم و با یقیمت شدن آن با سود، حد زبان نیمه دوم معامله را به نقطه سر به سر منتقل می‌کنیم. سپس منتظر حرکت قیمت به سمت باند های مقابل می‌مانیم و با یقیمت شدن یک کندر جاری از محدوده بین باند های دو برابر و سه برابر، نیمه دوم معامله را نیز می‌بندیم. این شرایط نشان دهنده تمام شدن حرفه صعودی است.

قواعد معامله خرید:

1. در نمودار روزانه یک میانگین متحرک یک روزه قرار می‌دهیم و مطمئن می‌شویم که بسته شدن قیمت روز بالاتر از این نمودار انجام شده باشد.
2. در این شرایط فقط به دنبال سیگنال های خرید هستیم.
3. به نمودار یک ساعتی می‌رویم و دو باند بالینجر با انحراف معیار های دو برابر و سه برابر روز نمودار قیمت قرار می‌دهیم.
هر گاه قیمت از سمت پایین به بیشتر از محدوده بین باندهای بالینژر دو برابر و سه برابر انحراف معیار حرکت کرد و در همین محدوده بسته شد، وارد معامله خرید می‌شویم.

(1) در نمودار روزانه یک میانگین متحرک بیست روزه قرار می‌دهیم و مطمئن می‌شویم که بسته شدن قیمت روز پایین تر از این نمودار انجام شده باشد.
(2) در این شرایط فقط به دنبال سیگنال های فروش هستیم.
(3) به نمودار یک ساعتی می‌رویم و دو باند بالینژر با انحراف معیار های دو برابر و سه برابر روی نمودار قیمت قرار می‌دهیم.
(4) هر گاه قیمت از سمت بالا به کمتر از محدوده بین باندهای بالینژر دو برابر و سه برابر انحراف معیار حرکت کرد و در همین محدوده بسته شد، وارد معامله فروش می‌شویم.
(5) حد زیان را ۵ پیپ بالاتر از یک نقطه سقف نزدیک قرار می‌دهیم و میزان مخاطره خود را محاسبه می‌کنیم. (استفاده از ۱۰ پیپ بالا تر از نقطه سقف نیز مورد قبول است)
(6) برای نیمه اول معامله حداکثر ۵۰٪ مخاطره پذیرفته شده قرار می‌دهیم.
(7) با حصول هدف نیمه اول معامله، حد زیان نیمه دوم را به نقطه سر به سر منتقل می‌نماییم.
(8) نیمه دوم معامله را با افزایش قیمت از محدوده بین باند های دو برابر و سه برابر انحراف معیار و بسته شدن قیمت در محدوده کمتر از باند دو برابر، می‌بندیم.

به چند مثال توجه فرمایید:

حال به مثال هایی از این استراتژی می‌پردازیم:
به نمودار روزانه جفت ارز EUR/CHF نگاه کنید. مشاهده می‌شود که قیمت از شیره مارس 2006 به بعد بالای میانگین متحرک ساده 20 روزه حرکت می‌کرده است که نشان دهنده روند شفاف صعودی است.

Figure 8 - 1
به نمودار یک ساعت مراجعه می‌کنیم. صبر می‌کنیم تا قیمت از سمت پایین محدوده بین دو باند بالینجر 2 و 3 برای انحراف معیار را بشکند. در این شرایط در ساعت 6 بعد از ظهر 15 مارس 2006 در قیمت 1.5635 وارد معامله خرد شدیم. حد زیان در 6234 افزایش می‌گیرد و مخاطره پذیرفته شده تنها 12 بیل است. (توجه داشته باشید که این جفت ارز کم تحرک است و به همین دلیل ما قادر شدن حد زیان خود را باشیم. بنابراین به حاصل حد سود 50% کفته شده است. از حد سود 100% مخاطره یعنی 12 بیل استفاده کردم. خوشبختانه در ساعت 3 صبح 16 مارس سود مورد نظر بدست آمد و نیمی از معامله در قیمت 1.5651 با سود 16 بیل بسته شد. سپس حد زیان باقیمانده معامله را به نقطه سر به سر منتقل کردم و به انتظار حرکت قیمت به سمت پایین های بالاتی بیانیژر ماندیم. سپس منتظر ماندیم تا قیمت بین دو باند 2 و 3 برای بالینجر بالاتی حرکت کند تا با شکسته شدن باند 2 برای به سمت پایین. نیمه دوم معامله خود را نیز بندیم. این
شرايط در تاريخ 1 بعد از ظهور روز 16 مارس در قيمت 1.5692 با 57 پيب سود بدست آمد.
براي معامله ای با تنيا 12 پيب مخاطره چندان هم بد نيست!

Setup 8 - Turn to Trend, USD/CAD

مثلي دوم كاربرد كلاسيكي از استراتژی بازگشت به روند را در جفت ارز USD/CAD با يک روند صعودي در 7 مارس 2006 نشان مي دهد.
از نمودار روزانه به نمودار ساعتی می‌رویم و صبر می‌کنیم تا قیمت از باند های بالایی به سمت بالا حرکت کند. در ساعت 11 صبح روز 16 مارس 2006 در قیمت 1.1524 وارد معامله خرید شدیم. حد زبان 5 یپپ پایین تر از یک قیمت کف یعنی 1.1505 قرار داده شد. یعنی پذیرش مخاطره 19 یپپ. در ساعت 10 بعد از ظهر 16 مارس قیمت به روند صعودی خود بازگشت و ما توانستیم نیمه از معامله خود را در قیمت 1.1540 بپردازیم. سپس حد زبان نیمه دوم معامله به نقطه سر به سر متقابل گردید و سود 16 یپپ قبل تثبیت گردید. قیمت بار دیگر صعود کرد و ما مترصد بودیم تا با مشاهده علائم تضعیف قصد صعود یعنی به سر بزند پایین تر از دو باند 2 و 3 برای انتخاب معیار از نیمه دوم معامله نیز خارج شویم. این وضعیت در ساعت 11 روز 17 مارس پدید آمد و ما در قیمت 1.1587 از نیمه دوم معامله با 63 یپپ سود خارج شدیم.
مثال بعدی مثالی از معامله فروش است. در 15 فوریه 2006 در نمودار روزانه مشاهده کردم که قیمت زیر میانگین متحرک 20 روزه قرار دارد و نزولی می‌باشد.
بنابراین توجه خود را به نمودار ساعتی معطوف نمودیم و به انتظار فرصت های فروش در شرایط خرید هیجکانی نشستیم. صبر کردنی تا قیمت از نزول کرده و زیر باند های بالینجر 2 و 3 برابر انحراف معیار بالایی به‌سوی شد. این شرایط در قیمت 1.7440 پدید آمد و حد زیان در فاصله 60 پیپس علی 17500 قرار داده شد. بر اساس قواعد نیمی از معامله را در قیمت 1.7410 در ساعت 1 بعد از ظهر، با سود 30 پیپ با 50٪ مخاطره بستیم و حد زیان نیمه دیگر را به نقطه سر به سر منتقل کردمی تا قیمت به باند بالینجر بالینی 3 برابر انحراف معیار برخورد کند. روند نزولی ادامه یافت و قیمت به محدوده مورد نظر ما وارد شد. در ساعت 6 صبح 16 فوریه 2006 قیمت از پانزده باند بالینجر 2 برابر انحراف معیار را شکست و بقیه معامله را در قیمت 1.7338 با 102 پیپس سود بستیم.
مثال بعدی مزایای خروج مرحله ای از معامله را نشان می‌دهد. جفت ارز USD/CHF در روز 15 مارس 2006 در یک روند نزولی قرار دارد و لی چند روز بعد روند بر می‌گردد و صعودی می‌شود. ما هنچ‌وقت نمی‌توانیم مطمئن باشیم که چنین حرکت‌های اصلاحی و موقت هستند یا یک تغییر واقعی در روند. بنابراین به قواعد استراتژی خو وفادار می‌مانیم تا مخاطره خود را کنترل نماییم.
در نمودار روزانه مشاهده کردیم که در ساعت 1 بعد از ظهر روز 21 مارس 2006 قیمت از بالا به کمتر از بندهای پالندر تا 3 را برای انحراف معیار نزول کرده است بنابراین در قیمت 1.3021 وارد معامله فروش شدیم. حد زیان 5 پیپ بهش از یک نقطه سقف نزدیک یعنی 42.130 1 قرار داده شد. یعنی پذیرش مخاطره 21 پیپ. در ساعت 6 بعد از ظهر 21 مارس 2006 قیمت به اولین هدف قیمتی ما در 1.3008 برخورد کرد و سود 12 پیپ. یعنی حدود نصف مخاطره پذیرفته شده حاصل گردید. در همین زمان حد زیان نیمه دوم معامله را به نقطه سر به سر منتقل کردم. از آن به بعد قیمت در جهت زیان ما حرکت کرد ولی قرار دادن حد زیان در نقطه سر به سر باعت شد که ما با زیان مواجه نشیم و بتوانیم سود اولیه 12 پیپ را حفظ کنیم.
در پایان مثالی از شکست این استراتژی را بررسی می کنیم. در تاریخ ۳ مارس ۲۰۰۶ جفت ارز EUR/GBP با شکست منحنی مبتنی متحرک ساده ۲۰ روزه وارد مرحله صعودی در نمودار شد.
بر اساس استراتژی بازگشت به روند، ما صبر کردیم تا قیمت از پایین دو باند بالینجر 2و3 روبر
انحراف معیار را بشکند و در ساعت 10 صبح 11 مارس 2006 در قیمت 0.6881 وارد معامله
خربید شدیم. یک نقطه کف نزدیک در ساعت 7 صبح همان روز در 0.6878 تشکیل شده بود.
بنابراین حد زیان رد یک پیپ پایین در 0.6873 می‌باشد. پایین 8 پیپ حد زیان. توجه
داشته باشید که این جفت ارز کم تحرك و دارای ارزش پیپ بالاتر است. هر پیپ این جفت ارز
بهش از 175٪ پیپ ارز مخاطره دارد. بنابراین 8 پیپ مخاطره در این جفت ارز با بیش
از 14 پیپ مخاطره در EUR/USD برابر می‌کند.

ابندا قیمت کمی افزایش یافت و در پی این آن به 0.6873 پایین 9 پیپ حد زیان ما کاهش یافت و معامله
خربید ما با زیان بسته شد. این قیمت دقیقاً پیک قیمت حداکثر بود. از نظر بسیاری از معامله‌گران
بسبب ناامید کننده این قیمت قبل از اینکه فرصت حرکت در جهت سود را بیابد با حد زیان
برخوردهای کند. ولی ما اینطور فکر نمی‌کنیم. خوردن حد زیان در یک نقطه حداکثر هم بخشی از
روایت دیگری از استراتژی بازگشت به روند - بازگشت انتقایی

بازگشت انتقایی روایت دیگری از استراتژی بازگشت به روند است که دیدگاه بلند مدت تری دارد و در صورت دریافت پره برداری از تفاوت نرخ پره جیت معاملات انتقایی (خريد ارزهای بر پره در برابر ارز کم پره برای پره برداری از پره شبانه) است. این روایت دلایل تغییراتی است که آنرا از استراتژی بازگشت به روند متمایز می سازد. ویا ایده کلی آن از اصولی مشابه پیروی می کند. برای کسانی که حوصله کافی برای معاملات بلند مدت دارند. این استراتژی سیگنال های معاملاتی کمتر ویلی قوی تری تولید می کند.

توجه کنید که معاملات این استراتژی فقط در جیت پره شبانه مثبت انجام می شود. مثل در جفت EUR/GBP معامله فقط در جیت خرید انجام می شود. در حالی که در جفت ارز ارز معامله فقط در جیت خرید انجام می شود. در واحد که در جفت ارز ارز 2006) شرایط به این صورت بوده است و ممکن است در زمان دیگری نرخ پره برای پره ها بیش از دلار استرالیا باشد. با یورو پره ای پره از پوند سدا کند که در این صورت جیت معاملات معکوس خواهد شد. به هر صورت قاعدة ثابت این است که معامله بايد همواره در جیت خرید ارزی باشد که دلاری پره پیوسته است.

بازگشت انتقایی از باند بالینجر در نمودار روزانه با تنظیمات 1و2 برای انحراف معیار به جای 2و3 براک انحراف معیار استفاده می نماید. استفاده از چارچوب زمانی طولانی تر به این منظور در نظر گرفته شده است که به معامله گر در جیت پره برداری از پره شبانه باری نماید. ویا از آنجا که تغییر جیت عمیقتری مد نظر ماست. از شکست منطقه بین 1و2 برای انحراف معیار به جای 2و3 براک انحراف معیار استفاده شده است. قواعد معامله به این روش را در ادامه ملاحظه فرمایید:

قواعد معامله خرید
(همواره بايد ارز پایه یا سمت چپ پره بالاتري داشته باشد)

1) دو باند بالینجر با 1و 2 برابر انحراف معیار روى نمودار روزانه قرار دهيد.
2) هر گاه قيمت از پاين محدوده بين باند های 1و2 برابر را شکست و بيرون آن بسته شد، وارد معامله خريد شويد.
3) حد زيان را 5 پپ پاين تر از يک نقطه كف نزديک قرار دهيد و مقدار مخاطره خود را محاسبه نمایي.
4) حد سود نيمه اول معامله خود را 50٪ مخاطره پذيرفته شده قرار دهيد.
5) با حصول هدف اول، حد توقف را به نقطه سر به سر منتقل نمایيد.
6) نيمه دوم معامله را با خروج به باند بالينجر 2 برابر پايني بينديد ويا صبر كنيد تا در نقطه سر به سر استه شود.

قواعد معامله فروش

(همواره بايد ارز مقابل یا سمت راست پره بالاتري داشته باشد)

1) دو باند بالینجر با 1و 2 برابر انحراف معیار روى نمودار روزانه قرار دهيد.
2) هر گاه قيمت از پاين محدوده بين باند های 1و2 برابر را شکست و بيرون آن بسته شد، وارد معامله فروش شويد.
3) حد زيان را 5 پپ بالاتري زک نقطه سقف نزديک قرار دهيد و مقدار مخاطره خود را محاسبه نمایي.
4) حد سود نيمه اول معامله خود را 50٪ مخاطره پذيرفته شده قرار دهيد.
5) با حصول هدف اول، حد توقف را به نقطه سر به سر منتقل نمایيد.
6) نيمه دوم معامله را با خروج به باند بالينجر 2 برابر پايني بينديد ويا صبر كنيد تا در نقطه سر به سر استه شود.
الوّین نمودار مثالی از جفت ارز AUD/JPY را طی ماه مه تا زوئن 2005 نمايش مي دهد. در این شکل استراتژي بازگشت انتقالی دو سيگنال خريد صادر كرده كه یکي موفق و دیگري ناموفق بوده است. در اوسط ماه ما مشاهده كرديم كه قيمت از پانين باند بالينجر يک برادر را شکسته و بالاتر از آن بسته شده است. بنابراین ما در قيمت 81.92 وارد معامله خريد شديم. روز بعد قيمت بالاتر رفت ولي به هدف قيمت اول ما نرسيد و نزول كرد. طي سه روز بعدی كاشش ادامه يافت و نابتا قيمت با خد زيان ما برخورده و 97 ييب زيان پديد آورد. شايد بعضي از معامله گران تعجب كنده كه چرا ما زودتر اين معامله را تبدييم. پاسخ اين است كه معامله گر بايد از سيئ زيان خود را محدود كند و از سوی ديگر به معامله اجاقه دهد تا طي زمان كافي در هجت سود حركت كنند. استفاده از يک نقطه كف نزديک معيار مناسبى برای حذ زيان معاملات خريد است و شکسته شدن آن نشان مي دهد كه هنوز روند نزولي ادامه دارد. اين شرایط نشان مي دهد كه سيگنال ورود صحيح نيوده و از نظر اكتر معامله گران هنوز كاشش قيمت ها ادامه خواهد يافت. البته ممکن

Figure 8 - 11
است که انتظار نشود و قیمت مجدداً صعود کند ولی توجه کنید که بازار فارکس بزاری با اهرم بالاست و یک تصمیم غلط ممکن است به این رفتگان کل سرمایه منجر شود. بنابراین ممیز نیست که چقدر برگشت قیمت پس از برخورد به حد زیان ناراحت کند. است. معامله گران با تجربه هیچگاه اجازه نمی دهد که چنین وقایعی باعث غلبه احساسات آن‌ان شده و انضباط معاملاتی شان را از میان ببرد.

دو روز پس از خوردن حد زیان ماه سیگنال قیمت مجدداً از پایین باند بالینجر 1 برابر انحراف معیار را شکست و مجدداً سیگنال خرید در قیمت 81.34 صادر شد. این بار مخاطره معامله کمی کمتر بود. یعنی 70 بیپ. طی سه روز بعدی قیمت در جهت سود ما حرفک کرد و نیمه اول معامله در قیمت 81.70 بسته شد و 35 بیپ سود حاصل گردید. با ذکر این سود، حد توقف نیمه دوم معامله به نقطه سر به سر منتقل شد و قیمت چند روز دیگر هم در جهت سود ما حرفک کرد و ما همچنین منتظر ماندیم و بهره های شبانه را دریافت نمودیم. نهایتاً در روز 26 ام ماه مه 2005 قیمت به باند بالینجر 2 برابر انحراف معیار بالایی برخورد نمود و نیمه دوم پوزیشن AUD/JPY با 141 بیپ سود بسته شد. حدود 22 بیپ نیز از اختلاف نرخ بهره حاصل شد. با وجود اینکه در مجموع این دو معامله ما با اندکی زیان مواجه شدیم، این استراتژی قدرت دیدگاه انضباط گرا را در معاملات واقعی به نمایش گذارد. با بازنده به قواعد محدود کردن مخاطره توانستیم عدمه زیان خود را جبران نموده و سرمایه خود را برای فرصت‌های معاملاتی آتی حفظ کنیم.

فرصت معاملاتی دیگری در همین جفت ارز در ماه آگوست 2005 رخ داد که در مثال آتی بررسی می‌شود.
در روز 25 آگوست 2005، جفت ارز AUD/JPY کانال بین باند های بالینجر اول و دوم برابر انحراف معیار را شکست و بالاتر از این کانال در قیمت 83.55 برداشت. بنابراین با بار شدن کندل بعد از وارد معامله خرید شدیم و حد زیان را در نقطه 82.60 قرار دادیم، توجه کنید که طی چند روز بعد قیمت در جهت زیان ما حرکت کرد ولی به حد زیان برخورد ننمود و ما همچنان بهره های شبانه را جمع آوری نمودیم. تقسیم یک هفته بعد در تاریخ 2 سپتامبر 2005 قیمت به اولین هدف قیمتی ما یعنی 84.00 (معادل 150% مخاطره بذیرفته شده) برخورد کرد ما با کسب 45 پیپ سود، حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود سر به سر منتقل کردیم. روز بعد قیمت کاهش یافت و نیمه دوم معامله به سمت حد توقف حرکت کرد ولی به آن برخورد ننمود. این معامله سه روز دیگر باز ماند تا قیمت صعود و در تاریخ 8 سپتامبر با باند بالینجر اول برابر انحراف معیار بالاتری برخورد کرد. نیمه دوم معامله 181 پیپ سود حاصل کرد و تغییری این معامله نیز 25 پیپ سود

**Figure 8 - 12**

در روز 25 آگوست 2005، جفت ارز AUD/JPY کانال بین باند های بالینجر اول و دوم برابر انحراف معیار را شکست و بالاتر از این کانال در قیمت 83.55 برداشت. بنابراین با بار شدن کندل بعد از وارد معامله خرید شدیم و حد زیان را در نقطه 82.60 قرار دادیم، توجه کنید که طی چند روز بعد قیمت در جهت زیان ما حرکت کرد ولی به حد زیان برخورد ننمود و ما همچنان بهره های شبانه را جمع آوری نمودیم. تقسیم یک هفته بعد در تاریخ 2 سپتامبر 2005 قیمت به اولین هدف قیمتی ما یعنی 84.00 (معادل 150% مخاطره بذیرفته شده) برخورد کرد ما با کسب 45 پیپ سود، حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود سر به سر منتقل کردیم. روز بعد قیمت کاهش یافت و نیمه دوم معامله به سمت حد توقف حرکت کرد ولی به آن برخورد ننمود. این معامله سه روز دیگر باز ماند تا قیمت صعود و در تاریخ 8 سپتامبر با باند بالینجر اول برابر انحراف معیار بالاتری برخورد کرد. نیمه دوم معامله 181 پیپ سود حاصل کرد و تغییری این معامله نیز 25 پیپ سود

**Figure 8 - 12**

در روز 25 آگوست 2005، جفت ارز AUD/JPY کانال بین باند های بالینجر اول و دوم برابر انحراف معیار را شکست و بالاتر از این کانال در قیمت 83.55 برداشت. بنابراین با بار شدن کندل بعد از وارد معامله خرید شدیم و حد زیان را در نقطه 82.60 قرار دادیم، توجه کنید که طی چند روز بعد قیمت در جهت زیان ما حرکت کرد ولی به حد زیان برخورد ننمود و ما همچنان بهره های شبانه را جمع آوری نمودیم. تقسیم یک هفته بعد در تاریخ 2 سپتامبر 2005 قیمت به اولین هدف قیمتی ما یعنی 84.00 (معادل 150% مخاطره بذیرفته شده) برخورد کرد ما با کسب 45 پیپ سود، حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود سر به سر منتقل کردیم. روز بعد قیمت کاهش یافت و نیمه دوم معامله به سمت حد توقف حرکت کرد ولی به آن برخورد ننمود. این معامله سه روز دیگر باز ماند تا قیمت صعود و در تاریخ 8 سپتامبر با باند بالینجر اول برابر انحراف معیار بالاتری برخورد کرد. نیمه دوم معامله 181 پیپ سود حاصل کرد و تغییری این معامله نیز 25 پیپ سود
اضافی ناشی از اختلاف نرخ پره پیدا آورد. در مجموع سود حاصله 251 پیپ بود که به ازاء هر نیمه از معامله 125 پیپ حاصل گردید.

این معامله نشان می‌دهد که چگونه معاملات بلند مدت اضطراب کرای مبتنی بر روش مشخص، سود آور هستند. مشاهدات کردید با وجود اینکه معامله اول حدود 190 پیپ زیان پیدا آورد ولی معامله دوم 141 پیپ سود و 20 پیپ پره پیدا آورد و معامله سوم 226 پیپ سود و 25 پیپ پره حاصل نمود. بنابراین نیایندا 222 پیپ سود می‌داد معاملات را ترک کرد. این مثال‌ها نشان می‌دهد که معاملات بازار فارکس به دو ماراتن پیشرشی است نیاز دارد.

سخن پایانی درباره بازگشت به روند

در نهایت روایت های دیگری از بازگشت به روند نیز می‌تواند وجود داشته باشد. مثلاً معامله کرای مختلطی که نمی‌خواهند از یک کف‌یا سقف نزدیک برای حد زیان استفاده کنند می‌توانند از حداقل یا حداقل کندلی که منجر به ورود به معامله شده برای تعیین حد زیانی محدود تر استفاده نمایند. در این حالت مخاطره ای این استراتژی بسیار کمتر است و لی احتمال برخورد به حد زیان پیشرش است. مثلاً در در اولین مثل حد زیان به 40 پیپ یعنی کمتر از نصف کاهش می‌یافته ولی همین دیدگاه در مثال دوم می‌تواند به حاچ سود منجر به برخورد غیر ضروری به حد زیان 43 پیپ گردد. ولی حتی مجموع دو زیان 40 پیپ و 43 پیپ هنوز کمتر از زیان 97 پیپ معامله اول با قواعد استاندارد است. بنابراین معامله گرانی که می‌خواهد اگر معامله‌اش شان کاملاً صحیح نبود به سرعت از آن خارج شوند. می‌توانند از این روایت استفاده نمایند.

در پایان توجه کنید که استراتژی بازگشت انتقای برای معاملات بلند مدت طراحی شده بنابراین حتی می‌تواند در چارچوب زمانی هفته‌گی نیاز مناسب باشد. ولی نمودار هفته‌گی می‌تواند منجر به حد زیان‌های بسیار بزرگ‌تر شود که نسبت مخاطره به سود‌ها نامناسب‌نماید. بنابراین انتخاب روانی‌های مناسب از استراتژی بازگشت به روند برای موفقیت بسیار اساسی است.
فصل سوم:

اخبار بی‌یادین: مهمترین عوامل مخاطره‌های در معامله گری
پنجم خبر اقتصادی مهم

با وجود اینکه تمام استراتژی‌های معرفی شده در این کتاب ماهیت‌تکنیکی هستند، ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که مخاطره‌ناشی از اعلام اخبار مهم اقتصادی می‌تواند به سرعت بر معاملات ما غالب شود. بر خلاف این اظهار تحلیل‌گران تکنیکی، ما هیچ‌گاه بیش از حد به نمودارها تکنیکی و بنیادی را در نظر می‌گیریم. بنابراین چنین بخشی از این کتاب به معرفی پنجم خبر مهم اقتصادی مربوط به ارزهای دلار، یورو، پوند و یان خصوصی به عنوان نمودار اعلام نمی‌رسد. اعلام نمودار این ارزها و سیاست‌های پولی کشورها مزدور این اکثریت این اکثریت است که شما قطعاً به اثرات آن آشنا هستید.

### شاخص‌های مهم اقتصادی ایالات متحده آمریکا

<table>
<thead>
<tr>
<th>قدت تأثیر در بازار</th>
<th>تعريف</th>
<th>عنوان خبر</th>
</tr>
</thead>
</table>
| دوره زمانی | تعیین | تعیین
<p>| تأثیر بسیار قوی دارد. | جزئی از گزارش مشاغل مشغول کلید سلامت اقتصادی و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های است که در سایت های پولی مورد توجه قرار می‌گیرد. | تعداد مشاغل غیر کشاورزی NFP |
| ماهانه | مقدار تجارت بین ایالات متحده و سایر کشورها را اندатор کرده می‌کند. | تراز تجارت |
| دارای اثر متوسط تا قوی است. | معمولاً اگر کسری تجارت بیش از 6% تولید ناخالص داخلی باشد، مورد توجه بیشتری قرار گرفته و منجر به تضعیف دلار می‌شود. | تقاضاهای جاری برای سهام TICS |
| دارای تأثیر متوسط تا قوی است. | | |
| | | |
| | | |
| | | |</p>
<table>
<thead>
<tr>
<th>شاخص های مهم اقتصادی اتحادیه اروپا</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جابجاگاه خود را در بازار پیدا کرده است چون مقادیر مثبت می‌توان کسری تراز تجارت را بوشش دهد.</td>
</tr>
<tr>
<td>اثر متوسط دارد. این شاخص با وجود دیدگاه گذشته نگر، یک معيار مناسب برای فعالیت کلی اقتصادی است. در صورتی که از حدود مورد انتظار فاصله زیادی داشته باشد می‌تواند تأثیر قابل توجهی در قیمت‌ها بگذارد.</td>
</tr>
<tr>
<td>تولید ناخالص داخلی GDP</td>
</tr>
<tr>
<td>فضایی (با بهره‌برداری روز اوری ماهانه)</td>
</tr>
<tr>
<td>ارزش نهایی کالاها و خدمات تولید شده در ایالات متحده است.</td>
</tr>
<tr>
<td>تغییرات قیمت‌ت در سبد نانی از کالاها و خدمات مصرف را اندازه می‌گیرد.</td>
</tr>
<tr>
<td>شاخص مصرف کننده CPI</td>
</tr>
<tr>
<td>دارای اثر متوسط است. این شاخص به عنوان نماینده قیمت‌پذیری مواد غذایی، حمل و نقل و مسکن مورد به‌تیز است. ولی هنوز می‌تواند مورد اثر پیش‌بینی‌شده بخاص در صورتی که شاخص اصلی آن بیش از 2% اعلام شود.</td>
</tr>
<tr>
<td>می‌شود و مربوط به یک‌ماه و نیم قبل است.</td>
</tr>
<tr>
<td>تغییرات قیمت‌ت در سبد نانی از کالاها و خدمات مصرف را اندازه می‌گیرد.</td>
</tr>
</tbody>
</table>
# شاخص‌های مهم اقتصادی از این‌جا

<table>
<thead>
<tr>
<th>شاخص ماهانه</th>
<th>رتبه</th>
<th>تعریف</th>
<th>عناوین خبر</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>قدرت تأیید در بازار فارکس</td>
<td>دوره زمانی</td>
<td>اطمنان تجاری آلمان</td>
<td>گزارش IFO</td>
</tr>
<tr>
<td>مقدار خرده فروشی</td>
<td>را انداده گیری می‌کند و اهمیت آن به دلیل تخمین مصرف شخصی می‌باشد.</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>تغییرات قیمت در سبد ثابتی از کالا‌ها و خدمات مورد مصرف را انداده می‌گیرد.</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>تولید ناخالص داخلی</td>
<td>ارزش نهایی کالاهای و خدمات تولید شده در ایالات متحد است.</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>عبارت‌سازی از درصد نیروی کار بدون شغل</td>
<td>بیکاری منطقه‌ای اقتصادی اروپا</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>پیش‌بینی</td>
<td>تعیین</td>
<td>مقدار گزارش</td>
<td>شاخص گزارش</td>
</tr>
<tr>
<td>شاخص های مهم اقتصادی بریتانیا</td>
<td>فصلی</td>
<td>مهمترين گزارش وضعیت شرکت ها در زاین</td>
<td>گزارش تاکید</td>
</tr>
<tr>
<td>----------------------------------</td>
<td>------</td>
<td>---------------------------------</td>
<td>--------------</td>
</tr>
<tr>
<td>تأثیر قوی دارد. وضعیت شرکت ها اثر قابل توجه روی رشد اقتصادی زاین دارد و به همین دلیل تأثیر این گزارش زیاد است.</td>
<td>اثر متوسط تا قوی دارد. در صورتی که از حدود مورد انتظار فاصله زیادی داشته باشد، می‌تواند تأثیر قابل توجهی در قیمت‌ها داشته باشد.</td>
<td>تغییرات قیمت‌ها در سبد ثابتی از کالا‌ها و خدمات مورد مصرف را اندماز می‌گیرد.</td>
<td>شاخص وضعیت تولید کندن CPI</td>
</tr>
<tr>
<td>دارای آنتی‌کوئی است. زاین بیش از 10 سال است که در حالی که گزارش ها قرار دارد. بازارین شاخص های تورمی می‌توانند اثر مهمی روی سیاست‌ها پولی داشته باشند.</td>
<td>اثر متوسط دارد. این شاخص نیز در اندماز گیری قدرت یا ضعف رکود قیمت‌ها اهمیت دارد.</td>
<td>دارای آنتی‌کوئی است. این شاخص فعالیت اقتصادی را نشان می‌دهد.</td>
<td>مخارج خانوارها</td>
</tr>
<tr>
<td>دارای آنتی‌کوئی است.</td>
<td>ماهانه</td>
<td>ماهانه</td>
<td>ماهانه</td>
</tr>
</tbody>
</table>

شاخه‌های مهم اقتصادی بریتانیا

<table>
<thead>
<tr>
<th>عنوان خبر</th>
<th>شاخص</th>
<th>تعیین</th>
<th>دوره زمانی</th>
<th>قداره تأثیر در بازار فارکس</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>مقدار خرده فروشی</td>
<td>ماهانه</td>
<td>ماهانه</td>
<td>ماهانه</td>
<td>ماهانه</td>
</tr>
<tr>
<td>مخارج مصرف کنندگان</td>
<td>را انداره گیری می‌کند و اهمیت آن به دلیل تخمین مصارف شخصی می‌باشد. خرده فروشی</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>----------------------</td>
<td>-----------------------------------------------</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>اثر متوسط‌تا قوی‌دارد. تولیدات صنعتی و معدن در اقتصاد بخصوص صادرات اهمیت ویژه‌ای دارد. مشاهده</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>مخارج</td>
<td>مشاهده نشان‌دهنده تولیدات صنایع و معادن است. تولید صنعتی و تولیدات کارخانه‌ای</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>اثر‌های متوسط‌تا قوی‌دارد. س Länder معیارهای کرد و در صورت عبور از این مقدار سیاست انقباضی در پیش می‌گردد. در غیر این صورت سیاست خنثی یا انسطابی در پیش گرفته می‌شود. شاخص قیمت‌כח</td>
<td>تغییرات قیمتی در سبد ناگهانی از قالا ها و خدمات مورد مصرف را انداره می‌گیرد. شاخص قیمتی مصرف کننده همگون شده HICP</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>مخارج</td>
<td>عبارتست از درصد نیروی کار بدون شغل عبارت است از درصد نیروی کار بدون شغل. نرخ بیکاری</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>اثر متوسط‌تا قوی‌دارد. افزایش بیکاری موجب کاهش قدرت خرد شده و اثر منفی بر اقتصاد دارد. گزارشی است که توزیع نرخ‌بنیوی سلطنتی مسکان دارای مجزا درباره بازار مسکن نهایی می‌شود. گزارش مسکن RICS</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>مسکن نقش مهمی در دارایی‌ها دارد و تغییرات در آن دارای اثر معنی‌داری بر اقتصاد بریتانیا است. گزارشی است که توزیع نرخ‌بنیوی سلطنتی مسکان دارای مجزا درباره بازار مسکن نهایی می‌شود. گزارش مسکن RICS</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>